

Investigating the Interrelationship between Audit Committee insight, Accruals and Pessimistic tone of Financial Reporting using the System of Simultaneous Equations

- Narges jafari¹
- Bizhan abedini²
- Faegh ahmadi³
- Khosrow moradi shahdadi⁴

Abstract

The description of financial statements can be very important, due to the ability to express positive or negative news and information and impact to users. Managers can divert the users' perception from explanatory reports by managing the tone of writing. Also, during the last few decades, it is one of the important questions that researchers and organizations organizations that formulate accounting rules have been directed towards, is the role of accruals in signaling the capital market regarding the firm's performance. In this regard, the present study examines the interrelationship between the insight of the audit committee, accruals and the pessimistic tone of financial reporting. For this purpose, a sample consists of 110 firms listed to the Tehran Stock Exchange for a ten-year period from 2012-2021; To test the hypotheses of the research, the system of simultaneous equations was estimated using the multivariate regression method. For this purpose, a sample consisting of 110 firms listed in the Tehran Stock Exchange was used for a ten-year period from 2012-2021; To test the hypotheses of the research, the system of simultaneous equations was estimated using the multivariate regression method. The results indicate the existence of a two-way relationship between the insight of the audit committee on accruals of firms. In other words, as the insight of the audit committee increases, the accruals decrease and as the accruals increase, the insight of the audit committee decreases and vice versa. The results of the research show that there is no mutual and meaningful relationship between the audit committee's view on the pessimistic tone of financial reporting. Also, the results indicate the existence of a three-way relationship between the insight of the audit committee, accruals and the pessimistic tone of financial reporting.

Keywords: Audit Committee Insight, Accruals, Pessimistic Tone of Financial Reporting

¹ PhD student, Accounting, Department of Accounting, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran. Email: narges.jafariy1.ict@gmail.com

² Associate Professor and Faculty Member, Accounting Department, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran. (Corresponding Author). Email: bizhanabedini.48@gmail.com

³ Assistant Professor and Faculty Member, Department of Management and Accounting, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran. Email: faeghahmadi@gmail.com

⁴ Assistant Professor and Faculty Member, Department of Management and Accounting, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran. Email: Shahdadikh@gmail.com

بررسی ارتباط متقابل بینش کمیته حسابرسی، اقلام تعهدی و لحن بدبینانه گزارشگری مالی با استفاده از سیستم معادلات همزمان

- نرگس جعفری^۱
- بیژن عابدینی^۲
- فائق احمدی^۳
- خسرو مرادی شهزادی^۴

چکیده

بیان توصیفی صورت های مالی به دلیل توانایی در بیان مثبت یا منفی اخبار و اطلاعات و نهایتاً اثرگذاری بر استفاده کنندگان، می تواند بسیار بااهمیت باشد. مدیران می توانند با استفاده از مدیریت لحن نوشتار، ادراک استفاده کنندگان از گزارش های توضیحی را منحرف نمایند. همچنین طی چند دهه اخیر یکی از سوال های مهمی که ذهن پژوهشگران و سازمان های تدوین کننده قوانین و مقررات حسابداری را به خود معطوف کرده است، نقش اقلام تعهدی در علامت دهی به بازار سرمایه در خصوص عملکرد شرکت است. در این راستا، پژوهش پیش رو به بررسی ارتباط متقابل بینش کمیته حسابرسی، اقلام تعهدی و لحن بدبینانه گزارشگری مالی می پردازد. بدین منظور نمونه ای متشکل از ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای یک دوره ده ساله از سال ۱۳۹۲-۱۴۰۰ است؛ برای آزمون فرضیه های پژوهش از سیستم معادلات همزمان با استفاده از روش رگرسیونی چند متغیره برآورد شد. نتایج حاکی از وجود رابطه دو طرفه بین بینش کمیته حسابرسی بر اقلام تعهدی شرکت ها است. به عبارتی دیگر با افزایش بینش کمیته حسابرسی، اقلام تعهدی کاهش و با افزایش اقلام تعهدی، بینش کمیته حسابرسی کاهش پیدا می کند و بالعکس. نتایج پژوهش نشان می دهد بینش کمیته حسابرسی بر لحن بدبینانه گزارشگری مالی رابطه متقابل و معناداری وجود ندارد. همچنین نتایج فرضیه سوم حاکی از وجود رابطه سه طرفه بین بینش کمیته حسابرسی، اقلام تعهدی و لحن بدبینانه گزارشگری مالی است.

واژگان کلیدی: اقلام تعهدی، بینش کمیته حسابرسی، لحن بدبینانه گزارشگری مالی

^۱ دانشجوی دکتری، حسابداری، گروه حسابداری، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران. رایانامه: narges.jafariy1.ict@gmail.com

^۲ دانشیار و عضو هیئت علمی گروه حسابداری، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: bizhanabedini.48@gmail.com

^۳ استادیار و عضو هیئت علمی گروه مدیریت و حسابداری، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران. رایانامه: faeghahmadi@gmail.com

^۴ استادیار و عضو هیئت علمی گروه مدیریت و حسابداری، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران. رایانامه: Shahdadikh@gmail.com

یکی از وظایف کمیته حسابرسی نظارت بر روند گزارشگری مالی و اطمینان از گزارشگری واقعی و منصفانه مالی است (بیزلی و همکاران، ۱، ۲۰۰۹). به طور کلی کمیته حسابرسی باید در بالابردن کیفیت گزارشگری مالی مؤثر باشد. با این حال، این تعریف کلی به دو دلیل در چارچوب حاکمیت شرکتی مساله ساز است (گروف و والتینشیچ، ۲، ۲۰۱۱). اول، هیچ تعریف جهانی پذیرفته شده از کیفیت گزارشگری مالی وجود ندارد. دوم اینکه مدیران مسئولیت گزارش واقعی و منصفانه را بر عهده دارند، نه کمیته حسابرسی. به همین دلایل، اثر کمیته حسابرسی به طور معمول از نظر مشارکت آن در فعالیت های مختلف نظارت مورد بحث قرار می گیرد. سه حوزه گسترده نظارت شامل موارد زیر است: (۱) نظارت بر روند گزارشگری مالی. (۲) نظارت بر کنترل های داخلی و مدیریت ریسک؛ و (۳) نظارت بر فعالیت حسابرس خارجی (بیزلی و همکاران، ۲۰۰۹؛ کوزنادی و همکاران، ۳، ۲۰۱۶). کمیته حسابرسی یک کمیته اجرایی هیئت مدیره در شرکت است که مسئولیت نظارت بر گزارشگری مالی و افشای اطلاعات را بر عهده دارد (چوی و همکاران، ۴، ۲۰۱۴). در شرایط مناسب هدف گزارشگری مالی ارائه اطلاعات درست در مورد وضعیت مالی و عملکرد شرکت برای طیف گسترده ای از استفاده کنندگان برای تصمیم گیری اقتصادی و سرمایه گذاری در شرکت ها است. با این حال، در واقعیت، گزارش های مالی اغلب تحریف شده هستند (بلانکو و همکاران، ۵، ۲۰۱۴؛ چو و همکاران، ۶، ۲۰۱۵). بنابراین این کار سرمایه گذاران و استفاده کنندگان از صورت های مالی شرکت را در تصمیم گیری دچار سردرگمی می کند. وظیفه کمیته حسابرسی به طور معمول شامل نظارت بر گزارشگری مالی، نظارت بر سیاست های حسابداری، نظارت بر حسابرسان خارجی، انطباق مقررات، مدیریت ریسک و تحقیقات ویژه در موارد حسابداری مشکوک می باشد (دزورت و همکاران، ۷، ۲۰۰۲). علیرغم حدس و گمان های گسترده مبنی بر اینکه عملکرد کمیته حسابرسی باعث بهبود کیفیت گزارشگری مالی می شود، اما به

1 Beasley et al

2 Groff & Valentinčič

3 Kusnadi et al

4 Choi et al

5 Blanco et al

6 Cho et al

7 Dezoort et al



طور شفاف این موضوع توسط شواهد تجربی پشتیبانی نمی شود. آلوزا (۲۰۱۳) و استوارت و مونرو (۲۰۰۷) دریافتند که حضور کمیته حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی همراه نیست. شواهد نشان می دهد کمیته حسابرسی از نظر اندازه، استقلال، اثربخشی نظارت، شایستگی ها و سایر ویژگی های کیفیت مرتبط، بسیار متنوع هستند (چوی و همکاران، ۲۰۱۴؛ گندرون و بیدارد، ۲۰۰۶). در حقیقت، وجود یک کمیته حسابرسی در یک شرکت ممکن است فقط یک امر ضروری باشد، اما شرط کافی برای افزایش کیفیت گزارشگری مالی نیست.

استفاده از کمیته حسابرسی در شرکت ها و حسابرسی داخلی کارا و منظم تا حدود زیادی امکان ارائه صورت های مالی نادرست و تحریف شده را کاهش داده و موجب ارتقا سطح کیفی اطلاعات ارائه شده و اثربخشی آن خواهد شد. از مهمترین عواملی که موجب کاهش کیفیت گزارشگری مالی می شود، فقدان کمیته حسابرسی و حسابرسی داخلی کارا است. کمیته حسابرسی پاسخ گوی نیازهای متعدد و گوناگون استفاده کنندگان اطلاعات مالی و حسابداری؛ به ویژه سهامداران می باشد. گسترش عملیات بین المللی، تشدید فعالیت های شرکت های سهامی برای کسب مزایای رقابتی، افزایش بدهی های ناشی از خسارت به محیط زیست، نقش و تاثیربر آورد های مدیریت در ارقام مندرج در صورت ها و گزارش های مالی، عدم وجود مبنایی معتبر برای بررسی ادعاهای مدیریت در رابطه با کفایت ساختار کنترل داخلی توسط حسابرسان مستقل، گسترش استفاده از سیستم های رایانه ای و به دنبال آن مشکلتر شدن نظارت بر کنترل این سیستم ها سبب تشدید روند ایجاد و بکارگیری کمیته حسابرسی شده است. کمیته حسابرسی برای این که بتواند اثربخش عمل کند باید مستقل، دانا، متخصص و فعال باشد. در ادبیات مالی، کمیته حسابرسی به عنوان جزئی از ساختار حاکمیت شرکتی، ابزاری برای کاهش هزینه های نمایندگی و همچنین وسیله نظارتی اثر بخشی برای بهبود روابط نمایندگی تلقی می شود. (سلیمانی و مقدسی، ۱۳۹۳). سان و همکاران (۲۰۱۴) معتقدند وجود کمیته حسابرسی علاوه بر ارتقاء سطح کیفی مکانیزم حاکمیت شرکتی می تواند باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی شود.

1 Alves

2 Stewart & Munro

3 Choi et al

4 Gendron & Bédard

5 Sun et al

از نظر صاحب نظران علوم اقتصادی، اطلاعات در توسعه اقتصادی و سرمایه گذاری همیشه جایگاه ارزشمندی داشته است (رهنمای رودپشتی و همکاران، ۱۳۹۷). گزارش های مالی نیز یکی از منابع اطلاعاتی بازارهای مالی است که نقش مؤثری در توسعه سرمایه گذاری و افزایش کارایی این بازار ایفا می کند. در این راستا کارشناسان و محققان حسابداری در پی بهبود و افزایش کیفیت گزارشگری مالی به عنوان ابزاری جهت مسئولیت پاسخ گویی به استفاده کنندگان از گزارش های مالی بوده اند. طبق مفاهیم نظری گزارشگری مالی، هدف صورت های مالی، ارائه اطلاعاتی تلخیص و طبقه بندی شده درباره وضعیت و عملکرد مالی واحد تجاری است که برای طیفی گسترده از استفاده کنندگان صورت های مالی در اتخاذ تصمیمات اقتصادی سودمند می باشد. دست یابی به این هدف نیازمند این است که اطلاعات مذکور در درجه اول، مربوط و قابل اتکا بوده و در درجه دوم قابل فهم و مقایسه باشد (عباسی و همکاران، ۱۳۹۷). با افزایش حجم توصیف های حسابداری، مدیران شرکت ها می توانند با استفاده از لحن گزارشگری یعنی به وسیله مدیریت نوشتار، از مزیت این فرصت ها برای منحرف کردن ادراک افراد استفاده کنند؛ اگر چه در شکل صحیح، با توجه به محدودیت های ارقام و استانداردهای حسابداری در زمینه انتقال واقعیت های اقتصادی مدیران می توانند برای اهداف اطلاع رسانی از مدیریت نوشتار استفاده کنند. با وجود این، نتایج تحقیقات گذشته بر روی لحن نوشتار، نشان دهنده استفاده راهبردی مدیران از مدیریت نوشتار با هدف فریب خوانندگان گزارش های سالانه و تأثیرگذاری بر ادراک آن ها بوده است (برای مثال نک: هوانگ و همکاران، ۲۰۱۴)؛ به عبارت دیگر مدیران با سوءاستفاده از مدیریت نوشتار به دنبال تأثیرگذاری بر ادراک استفاده کنندگان از گزارش های سالانه در خصوص اطلاعات بنیادی شرکت بوده اند. فصاحت و بلاغت استفاده شده در توصیف ها، برای درک اطلاعات کمی حائز اهمیت است. لحن نوشتار، به معنی استفاده از کلمات مثبت در برابر کلمات منفی در متن های کیفی است. مدیریت لحن نوشتار عبارت است از انتخاب سطح لحن نوشتار در متن های کیفی به گونه ای که با اطلاعات کمی همراه آن منطبق نباشد (هیتون، ۲۰۰۲).

مدیریت لحن نوشتار می تواند با انگیزه های راهبردی و یا با انگیزه های اطلاع رسانی استفاده شود. هنگامی که اطلاعات بنیادی شرکت به واسطه محدودیت های استانداردهای حسابداری، نسبت به اطلاعات کمی ارائه شده بهتر هستند، مدیریت لحن گزارش های توضیحی می تواند با کارکردهای اطلاعاتی استفاده شود (محسنی و رهنمای رودپشتی، ۱۳۹۸). لحن گزارش های توضیحی ممکن است با کارکردهای راهبردی

1 Huang et al

2 Heaton

و به منظور تغییر ادراک استفاده کنندگان نسبت به اطلاعات بنیادی شرکت مدیریت شود. هوانگ و همکاران ۱ (۲۰۱۴) و ماوی و ونکاتام ۲ (۲۰۱۲) نشان دادند، مدیران در مصاحبه های مطبوعاتی یا نشست های تحلیلی با تحلیلگران مالی تلاش می کنند لحن گفتار خود را به نحوی به کار برند که منجر به گمراهی سرمایه گذاران درخصوص بازدهی و عملکرد آتی شرکت گردند. مریبور ۳ (۲۰۱۶) نشان داد، هنگامی که شرکت از مدیران بیش اطمینان برخوردار است، راهبرد به کارگیری لحن مثبت برای گمراهی سرمایه گذاران یا پنهان سازی اخبار بد بیشتر استفاده می شود.

سابرامانیام ۴ (۱۹۹۶) بر این عقیده است که قیمت گذاری اقلام تعهدی، برآیند مکانیسم قیمت گذاری بازار و ماهیت اقلام تعهدی اختیاری است. از این رو، قیمت گذاری اقلام تعهدی را می توان از طریق مطرح کردن دو دیدگاه رقیب مورد بررسی قرار داد. در دیدگاه اول فرض می شود که بازار سرمایه کارا است و برای اقلام تعهدی اختیاری ارزش در نظر گرفته می شود. چرا که مدیران می توانند با به کارگیری اختیار خود، ارزش اقتصادی شرکت را از طریق بهبود محتوای اطلاعاتی سود افزایش دهند. بر اساس این دیدگاه مدیران قادرند محتوای ارزشی سود را، از طریق هموارسازی سود یا از طریق انتقال اطلاعات محرمانه درباره سودآوری آتی که در حسابداری بهای تمام شده تاریخی ارائه نمی شود؛ بهبود بخشند. در ادبیات حسابداری دیدگاه اول به عنوان مدیریت سود کارا شهرت یافته است (جیراپورن و همکاران ۵، ۲۰۰۸). در این دیدگاه مدیریت سود به عنوان پدیده ای سودمند، برای استفاده کنندگان خارجی اطلاعات حسابداری محسوب می شود (کریمی و رهنمای رودپشتی، ۱۳۹۴). نتیجه اصلی این دیدگاه چنین است که انتقال اطلاعات محرمانه به بازار سرمایه موجب کاهش مشکل نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی می شود (لوئیس و رابینسون ۶، ۲۰۰۵). در دیدگاه دوم به خاطر وجود مدیریت سود فرصت طلبانه، جزء تعهدی اختیاری سود مورد تحریف و دستکاری قرار می گیرد؛ به عبارت دیگر مدیریت فرصت طلبانه سود بدین معنا است که مدیریت به منظور حداکثر کردن مطلوبیت خویش، سود را به گونه ای فرصت طلبانه گزارش می کند (کریمی و رهنمای رودپشتی، ۱۳۹۴). در این حالت، قیمت گذاری نادرست اقلام تعهدی به دلیل ثبات رفتاری بر روی سود حسابداری ایجاد می

1 Huang et al

2 Mayew & Venkatachalam

3 Merrienboer

4 Subramanyam

5 Jiraporn et al

6 Louis & Robinson

گردد (سیرگار و یوتاما، ۲۰۰۸) (علی احمدی و فدایی، ۱۳۹۴)؛ بنابراین هدف از این تحقیق ارائه الگویی از روابط بین اثر بخشی کمیته حسابرسی، ساختار سرمایه، کیفیت گزارشگری و اقالام تعهدی می باشد.

۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

کمیته حسابرسی مسئولیت نظارت بر رویه های حسابداری بکار رفته در صورت های مالی شرکت را بر عهده دارد. با توجه به ماهیت و اندازه شرکت، گزارش های مالی شرکت توسط کمیته حسابرسی بصورت ماهانه، فصلی یا سالانه بررسی می شود. نقش کمیته حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی از طریق نظارت فعال بفرایند گزارشگری مالی شرکت توسط مراجع حرفه ای مختلف مورد تاکید قرار گرفته است. از جمله وظایف کمیته حسابرسی، انتخاب حسابرس، مدیریت فرایند کار حسابرسی، بررسی مجدد نتایج حسابرسی، کمک به اعضای هیأت مدیره در درک بهتر نتایج حسابرسی و همکاری با مدیریت و حسابرس مستقل در حل مشکلات کنترل داخلی یا نقاط ضعف مشخص شده طی عملیات حسابرسی است. در صورتی که کمیته حسابرسی به طرز صحیح سازماندهی شود و مورد استفاده قرار گیرد، می تواند برای و تمام گروه های علاقه مند منافع چشم گیری داشته باشد. کمیته حسابرسی می تواند وظیفه مباشرت گزارشگری هیأت مدیره را تقویت کند، همچنین می تواند ارتباط بین حسابرس مستقل و مدیریت را بهبود بخشد و میزان استقلال حسابرس را از طریق خدمت کردن به عنوان سپر بین حسابرس و مدیریت افزایش دهد. کمیته حسابرسی به مودیان و اعتباردهندگان کمک می کند تا مطمئن شود که منافع آنها در اثر انجام حسابرسی به حداکثر می رسد. از دیرباز موضع شرکت ها در مورد گزارشگری مالی این بوده که اطلاعات را در کمترین حد ممکن منتشر کنند تا از اعطای فرصت بهره برداری بیشتر به رقبا جلوگیری شود؛ بنابراین در رابطه با گزارشگری مالی همواره دو چالش بزرگ پیش روی مدیران واحدهای تجاری وجود داشته که یکی از آن ها چگونگی برقراری تعادل بین شفافیت گزارش های مالی و عدم ارائه بیش از حد اطلاعاتی بوده و دیگری اینکه اطلاعات به چه میزان، برای چه کسانی و در چه مواقعی باید منتشر شود. کمیته حسابرسی یکی از مکانیزم های نظارتی موثر برای بهبود کیفیت افشای سیستم کنترل داخلی است که به کاهش هزینه نمایندگی کمک می کند (فورکر^۲، ۱۹۹۲). کمیته حسابرسی موجب تقویت، سلامت و کیفیت گزارشگری مالی، بهبود کیفیت کنترل های داخلی، بهبود عملکرد حسابرسان کمک به هیأت مدیره برای ایفای مسئولیت پاسخگویی و اطمینان از انطباق فعالیت های این واحدها با قوانین و مقررات و در نهایت بهبود کیفیت افشا می گردد (جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵).

1 Siregar & Utama

2 Forker

با توجه به مطالب فوق نقش کمیته حسابرسی در ایجاد کنترل های اساسی یک شرکت ضروری است؛ بنابراین موضوع پژوهش به دلایل زیر می تواند حائز اهمیت فراوان باشد، کمیته حسابرسی به عنوان یک رکن نظارتی بر محتوای صورت های مالی تاثیر گذار است. همچنین پژوهش های گذشته بیان می دارند شرکت هایی که اقدام به مدیریت سود می نمایند، گزارش های مالی پیچیده و با خوانایی کمتر منتشر می نمایند تا از این طریق مدیریت بتواند رفتارهای فرصت طلبانه خود را برای استفاده کنندگان از اطلاعات پنهان نماید. اقلام تعهدی می تواند باعث ایجاد تفاوت بین سود و جریان وجوه نقد گردد، حال اگر در جریان وجوه نقد تغییر حاصل نگردد، تنها راه دستکاری سود می تواند اقلام تعهدی اختیاری باشد. وجود تضاد منافع بین مدیریت و مالکان این تئوری را تقویت می نماید که امکان دارد در تهیه گزارش های مدیریت صداقت و درستی رعایت نشده باشد. چرا که معمولاً مدیریت تمایل به افشاء عملکرد مثبت خود و پنهان نمودن ضعف های شرکت دارد؛ بنابراین تاثیر بینش کمیته حسابرسی بر اقلام تعهدی و لحن گزارشگری صورت های مالی از این نظر قابل بررسی و حائز اهمیت است.

۳. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

چن و همکاران ۱ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان خوانایی گزارشهای سالانه و قیمت گذاری نادرست سهام نشان دادند از آنجا که خوانایی کم گزارش های سالانه مانع از جذب کارآمد و دقیق اطلاعات به قیمت سهام می شود، گزارش های سالانه کمتر قابل خواندن با قیمت گذاری نادرست بیشتر سهام همراه است. این ارتباط هم به کاهش قیمت سهام و هم به قیمت بیش از حد سهام گسترش می یابد. تجزیه و تحلیل مقطعی آنان نشان می دهد که ارتباط بین گزارش های سالانه کمتر قابل خواندن و قیمت گذاری پایینتر سهام زمانی برجسته می شود که مالکیت سهام سرمایه گذاران فردی بالا باشد. در حالی که، ارتباط بین گزارش های سالانه کمتر قابل خواندن و قیمت گذاری بیش از حد سهام زمانی تضعیف می شود که تحلیلگران مالی باتجربه تر یک شرکت را دنبال می کنند

آیونینگ و هاریموان ۲ (۲۰۲۱) به بررسی لحن منفی و خوانایی در بحث گزارش های تجزیه و تحلیل مدیریت و اثر آن بر هزینه بدهی پرداختند. این مطالعه ارتباط بین استراتژی افشای متنی شرکت و

1 Chen et al

2 Ayuningtyas & Harymawan

هزینه بدهی را با نگاه به لحن و خوانایی گزارش های مالی را بررسی و یافته های آنها نشان داد هر دو لحن منفی و سطح خوانایی ضعیف با هزینه بدهی ارتباط مثبت دارند.

باسیونی و همکاران ۱ (۲۰۲۰) در پژوهشی بیان داشتند مدیران خودشیفته تمایل بیشتری به استفاده از لحن مثبت در گزارش های سالانه داشته اند این در حالی است که کمیته حسابرسی و استقلال هیئت مدیره با لحن مثبت گزارش های سالانه ارتباط منفی داشته است

یاتریدیس ۲ (۲۰۱۶) در مقاله ای به بررسی این مسئله پرداخت که آیا منفی نگری در زبان گزارشگری مالی در صورت های مالی، موجت محدود شدن فرصت طلبی مدیران می شود نمونه آماری وی متشکل از ۴۰۵ شرکت فعال در بورس لندن بود که اطلاعات آماری آنها برای دوره زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ در قالب شیوه داده های پانلی بررسی شد. نتایج پژوهش وی نشان داد میزان استفاده از زبان منفی نگرانه در گزارش های شرکت هایی بیشتر است که دستکاری سود آنها پایین تر و اهرم بالاتری دارند.

ناکاشیما و زیبرت ۳ (۲۰۱۶) به بررسی ارتباط بین لحن مدیران اجرایی و تغییرات در مدیریت سود و کیفیت سود شرکت های بورستی در ژاپن پرداختند. آن ها پرسشنامه ها را به ۳۶۰۵ شرکت ژاپنی فعال در بورس اوراق بهادار توکیو ارسال کردند که از بین آنها ۲۰۲ شرکت به پرسشنامه ها جواب دادند آنها برای محاسبه مدیریت سود از الگوی جونز و برای محاسبه لحن از نرم افزار دیکشتن ۵ برای تجزیه و تحلیل پرسشنامه ها استفاده کردند. نتایج پژوهش آنها نشان داد ارتباط معناداری بین لحن بالای مدیران اجرایی و مدیریت سود و کیفیت سود وجود دارد.

رابین و وو ۴ (۲۰۱۵) نقش رشد شرکت بر قیمت گذاری اقلام تعهدی را بررسی نمودند. موضوع اصلی پژوهش این بود که آیا در شرایط وجود فرصت های رشد و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت های رشدی، مدیران می توانند از اقلام تعهدی اختیاری به عنوان کانال های اطلاعاتی برای مخابره اطلاعات محرمانه استفاده نمایند. نتایج نشان داد که در شرایطی که اقلام تعهدی مثبت باشد، از دیدگاه سرمایه گذاران شرکت های با رشد بالاتر در مقایسه با شرکت های با رشد پایین تر، از قیمت گذاری بالاتری بر خوردار هستند؛ اما

1 Bassyouny et al

2 Iatridis

3 Nacashima & Zibart

4 Robin & Wu

در صورت وجود اقلام تعهدی منفی، رابطه بیان شده معکوس می‌گردد. علاوه بر این، نتایج پژوهش اشاره دارد که اقلام تعهدی اختیاری مثبت با عملکرد آتی شرکت وابستگی بیشتری دارد.

لوئیس و رابینسون (۲۰۰۵) به ارزیابی نقش اقلام تعهدی در اعلام اطلاعات محرمانه پرداختند. در پژوهش آن‌ها بر نقش اقلام تعهدی اختیاری و تجزیه سهام تأکید شده است. نتایج پژوهش نشان داد که بازار سرمایه اقلام تعهدی غیرعادی را قبل از وقوع تجزیه سهام به عنوان علامتی از خوش بینی مدیران (نسبت به رفتار فرصت طلبانه مدیران) در نظر می‌گیرد.

نیکبخت و همکاران (۱۴۰۲) به بررسی رابطه خوانایی گزارشگری مالی با هزینه سرمایه شرکت با توجه به نقش تعدیلگر لحن گزارشگری مالی پرداختند. در این راستا، ۱۰۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به روش حذف سیستماتیک انتخاب و در بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ مورد بررسی قرار دادند. برای بررسی و تحلیل داده‌ها، از نرم افزار ایویوز و برای برآورد الگوها، از تحلیل رگرسیون با داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد هرچه خوانایی گزارش‌های مالی کمتر باشد، هزینه سرمایه شرکت‌ها افزایش می‌یابد. علاوه بر این، لحن بدبینانه گزارش‌های مالی بر شدت رابطه بین خوانایی کمتر گزارش‌های مالی و هزینه سرمایه شرکت‌ها اثر تعدیل‌کننده افزایشی دارد.

اکبرلو و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی تأثیر سویه‌های رفتاری مدیران بر لحن خوش‌بینانه گزارشگری مالی پرداختند. نمونه آماری شامل ۱۱۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ است. برای اندازه‌گیری لحن خوش‌بینانه از روش فراوانی واژگان استفاده شد و به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، روش رگرسیون چندگانه با داده‌های ترکیبی بکاررفت. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد، خوش‌بینی و بیش‌اطمینانی مدیران بر لحن خوش‌بینانه گزارشگری مالی تأثیر معناداری دارد. اما کوتاه بینی مدیریت بر لحن خوش‌بینانه تأثیری ندارد.

اکبرلو و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی رابطه بین خودشیفتگی مدیران و لحن خوش‌بینانه گزارشگری مالی: نقش تعدیلی مدیریت سود پرداختند. نمونه پژوهش حاضر شامل ۱۱۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ می‌باشد. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی استفاده شد. نتایج حاصل از پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد، بین خودشیفتگی مدیران و لحن خوش‌بینانه گزارشگری مالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارتی مدیران خودشیفته به گزارش‌های مالی تنظیم یافته با لحن خوش‌بینانه، به چشم فرصتی برای فرونشاندن

اشتهای سبیری ناپذیر خود برای ارتقاء شخصی خودشان نگاه می‌کنند. مدیریت سود اثر تعدیلی مثبت بر رابطه بین خودشیفتگی مدیران و لحن خوش‌بینانه گزارشگری مالی دارد.

برزگر (۱۴۰۰) به بررسی تاثیر قابلیت مقایسه حسابداری بر کیفیت گزارشگری مالی و اقلام تعهدی اختیاری پرداخت. جامعه آماری برای گردآوری متغیرها، شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۷ انتخاب ولی در دوره زمانی بین سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶ می باشد که از میان شرکت های بورسی در مجموع ۸۰ شرکت از طریق سیستماتیک به عنوان نمونه آماری انتخاب شده است. برای آزمون فرضیه ها از رگرسیون چند متغیره با داده های ترکیبی استفاده شده است. در راستای هدف پژوهش برای محاسبه متغیر قابلیت مقایسه از مدل دی فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) و برای محاسبه کیفیت گزارشگری از مدل فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵) استفاده شده است. یافته های حاصل از پژوهش بیانگر این است که قابلیت مقایسه منجر به افزایش کیفیت صورت‌های مالی می‌شود بنابراین فرضیه اول پژوهش تایید می‌شود. نتایج آزمون فرضیه دوم نشان می‌دهد که اقلام تعهدی اختیاری بر بازده سهام تاثیر مستقیم دارد ولی سرمایه‌گذاران در هنگام قابلیت مقایسه به اقلام تعهدی اختیاری توجه‌ای نمی‌کنند و تاثیری بر سرمایه‌گذاری آنان و بازده سهام ندارد پس می توان گفت که فرضیه دوم پژوهش رد می‌شود.

حقدادی و کر گز (۱۳۹۹) به بینش کمیته حسابرسی و تغییر حسابرس در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. آن ها با استفاده از اطلاعات مالی افشا شده توسط شرکت‌ها در سایت کدال و اتخاذ بازه زمانی ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۶، نمونه‌ای مشتمل بر ۱۴۲ شرکت و ۵۴۲ سال شرکتی (پس از حذف داده‌های گم و مشاهدات پرت)، برای آزمون ارتباط بین تخصص مالی، استقلال، تجربه و اندازه کمیته حسابرسی (به عنوان سنج‌های بینش کمیته حسابرسی) و تغییر حسابرس در سال‌های ابتدایی در نظر گرفتند. نتایج تحقیق آن ها نشان داد که بین تخصص مالی، استقلال و اندازه کمیته حسابرسی با تغییر حسابرس در سال‌های ابتدایی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد اما این ارتباط برای تجربه کمیته حسابرسی مشاهده نشد. همچنین، در بخش تحلیل‌های اضافی، با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی، چهار ویژگی فوق‌الذکر برای کمیته حسابرسی تحت عنوان یک عامل (بینش کمیته حسابرسی) محاسبه گردیده و به عنوان یک فرضیه کلی مورد آزمون قرار گرفت. نتایج حاصل، به پشتوانه فرضیه‌ها، حاکی از ارتباط مثبت و معنادار بین بینش کمیته حسابرسی و تغییر حسابرس در سال‌های ابتدایی شد.

طرخورانی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی تاثیر کیفیت گزارشگری مالی بر قیمت گذاری اقلام تعهدی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. پس از طراحی شاخص های ارزیابی متغیرها، اطلاعات معاملات انجام شده در دوره پژوهشی پنج ساله ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ از سازمان بورس اوراق بهادار و نرم افزار ره آورد نوین و سایت Codal.ir جمع آوری گردید. نمونه آماری مشتمل بر

۲۲۳ شرکت می باشد که با روش حذف سیستماتیک انتخاب شده است که در مجموع ۱۱۱۵ سال - شرکت بودند. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت، یک پژوهش توصیفی با تأکید بر روابط همبستگی است. علاوه بر این، در حوزه مطالعات پس رویدادی قرار می گیرد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه تحقیق از نرم افزار Eviews 10 استفاده شده است. آنچه در جمع بندی و نتیجه گیری کلی آزمون فرضیه تحقیق می توان عنوان کرد، این است که کیفیت گزارشگری مالی بر قیمت گذاری اقلام تعهدی تاثیر معناداری دارد. نتایج به دست آمده در این پژوهش با مستندات اشاره شده در چارچوب نظری تحقیق و ادبیات مالی مطابقت دارد.

۴. فرضیه های پژوهش

با توجه به مبانی نظری مطرح شده فرضیه های پژوهش به صورت زیر بیان می شوند؛ با توجه به مبانی نظری مطرح شده فرضیه های پژوهش به صورت زیر بیان می شوند؛

فرضیه اول: بین بینش کمیته حسابرسی و اقلام تعهدی شرکت ها رابطه متقابل و معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین بینش کمیته حسابرسی و لحن بدبینانه گزارشگری مالی شرکت ها رابطه متقابل و معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین بینش کمیته حسابرسی، اقلام تعهدی و لحن بدبینانه گزارشگری مالی رابطه متقابل و معناداری وجود دارد.

۵. روش شناسی پژوهش

۵-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر از منظر فرآیند اجرا (نوع داده ها) یک پژوهش کمی، از نظر نتیجه اجرای آن یک پژوهش کاربردی است. هدف تحقیق کاربردی، توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است. هم چنین تحقیق حاضر، از نظر روش و ماهیت از نوع تحقیق همبستگی است. روش تحقیق از نظر هدف اجرا یک پژوهش تحلیلی، از نظر منطبق اجرا یک پژوهش قیاسی-استقرایی و از نظر بعد زمانی یک پژوهش طولی (پس رویدادی) است. در این پژوهش برای جمع آوری اطلاعات مرتبط با مبانی تئوریک و ادبیات پژوهش از روش مطالعه کتابخانه ای استفاده شده است و با مراجعه به کتب، مقالات و پایان نامه ها اطلاعات لازم برای این بخش جمع آوری گردید. در بخش آزمون فرضیات نیز از روش اسناد کاوی صورت های مالی شرکت ها در

سایت بورس اوراق بهادار تهران به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته شد و اطلاعات موردنیاز، از صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌ها در سایت رسمی بورس اوراق بهادار تهران، سایت کدال و نرم‌افزار ره‌آورد نوین استخراج گردید. تجزیه و تحلیل داده و آزمون فرضیه‌ها، در چارچوب سیستم معادلات همزمان و با استفاده از نسخه نهم نرم‌افزار ایویوز صورت گرفته است.

۲-۵. جامعه و نمونه آماری

در پژوهش حاضر به منظور آزمون فرضیات تحقیق از داده‌های مالی طبقه‌بندی شده و حسابرسی شده شرکت‌های فعال پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران استفاده می‌شود. جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ می‌باشد که حائز معیارهای زیر باشند: قبل از سال ۱۳۹۲ وارد بورس اوراق بهادار شده باشد.

در طول دوره پژوهش، تغییر در دوره مالی نداشته باشند.

جزء شرکت‌های فعال در حوزه فعالیت‌های مالی، از جمله شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها، بیمه‌ها و مؤسسات مالی نباشند. به دلیل اینکه این مؤسسات از لحاظ ماهیت فعالیت، متفاوت بوده و درآمد اصلی آن‌ها حاصل از سرمایه‌گذاری است و وابسته به فعالیت سایر شرکت‌ها هستند، لذا ماهیتاً با سایر شرکت‌ها متفاوت می‌باشند و بنابراین، از نمونه مورد بررسی حذف خواهند شد.

دوره مالی آن‌ها منتهی به ۱۲/۲۹ هر سال باشد.

تا سال ۱۴۰۰ در بورس اوراق بهادار تهران فعال بوده باشد.

اطلاعات آن در دسترس باشد.

بعد از اعمال محدودیت‌های گفته شده تعداد ۱۱۰ شرکت برای دوره مالی ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ شامل ۹۹۰ شرکت - سال به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند.

۵-۳. مدل‌های پژوهش

برای سنجش ارتباط متقابل بین بیش کمیته حسابرسی و اقلام تعهدی از مدل رگرسیونی زیر که بر گرفته از تحقیقات چن و گانگ (۲۰۱۹) و سو و همکاران (۲۰۱۹) به صورت زیر است استفاده شده است. در مدل رگرسیونی اول، در صورتی که ضریب رگرسیونی β_1 معنادار باشد، رابطه بین بیش کمیته حسابرسی و اقلام تعهدی مورد تایید خواهد شد و برای تایید رابطه بین اقلام تعهدی و بیش کمیته حسابرسی لازم است ضریب رگرسیونی β_1 در مدل شماره ۲ نیز معنادار باشد.

(۱) مدل

$$DA_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 ACE_{i,t} + \beta_2 AS_{i,t} + \beta_3 INS_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 MTB_{i,t} + \beta_6 OPCYCLE_{i,t} + \beta_7 SCH_{i,t} + \beta_8 SIZE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

(۲) مدل

$$ACE_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 DA_{i,t} + \beta_2 AS_{i,t} + \beta_3 INS_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 MTB_{i,t} + \beta_6 OPCYCLE_{i,t} + \beta_7 SCH_{i,t} + \beta_8 SIZE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

برای آزمون فرضیه دوم ارتباط متقابل بین بیش کمیته حسابرسی و لحن بدبینانه گزارشگری مالی از مدل رگرسیونی زیر استفاده شده است. در مدل رگرسیونی شماره ۳، در صورتی که ضریب رگرسیونی β_1 معنادار باشد، رابطه بین بیش کمیته حسابرسی و لحن بدبینانه گزارشگری مالی مورد تایید خواهد شد و برای تایید رابطه بین لحن بدبینانه گزارشگری مالی و بیش کمیته حسابرسی لازم است ضریب رگرسیونی β_1 در مدل شماره ۴ نیز معنادار باشد.

$$TONE_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 ACE_{i,t} + \beta_2 AS_{i,t} + \beta_3 INS_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 MTB_{i,t} + \beta_6 OPCYCLE_{i,t} + \beta_7 SCH_{i,t} + \beta_8 SIZE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

(۴) مدل

$$ACE_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 TONE_{i,t} + \beta_2 AS_{i,t} + \beta_3 INS_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 MTB_{i,t} + \beta_6 OPCYCLE_{i,t} + \beta_7 SCH_{i,t} + \beta_8 SIZE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

برای آزمون فرضیه سوم از مدل های رگرسیونی ۵، ۶ و ۷ که در آن بیش کمیته حسابرسی، اقلام تعهدی و لحن بدبینانه گزارشگری مالی هر یک به طور جداگانه به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است استفاده شده است. در صورتی که در مدل شماره ۵ ضرایب رگرسیونی β_1 و β_2 معنادار باشد به ترتیب تاثیر

1 Chen & Gong

2 Su et al

بیش کمیته حسابرسی و ارقام تعهدی بر لحن بدبینانه گزارشگری مالی تأیید خواهد شد و در صورتی که در مدل شماره ۶ ضرایب رگرسیونی β_1 و β_2 معنادار باشد به ترتیب لحن بدبینانه گزارشگری مالی و ارقام تعهدی بر بیش کمیته حسابرسی تأیید خواهد شد؛ در ضمن برای تأیید تاثیر لحن بدبینانه گزارشگری مالی و بیش کمیته حسابرسی بر ارقام تعهدی لازم است ضرایب رگرسیونی β_1 و β_2 در مدل شماره ۷ معنادار باشد.

مدل (۵)

$$TONE_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 ACE_{i,t} + \beta_2 DA_{i,t} + \beta_3 AS_{i,t} + \beta_4 INS_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 MTB_{i,t} + \beta_7 OPCYCLE_{i,t} + \beta_8 SCH_{i,t} + \beta_9 SIZE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل (۶)

$$ACE_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 TONE_{i,t} + \beta_2 DA_{i,t} + \beta_3 AS_{i,t} + \beta_4 INS_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 MTB_{i,t} + \beta_7 OPCYCLE_{i,t} + \beta_8 SCH_{i,t} + \beta_9 SIZE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل (۷)

$$DA_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 TONE_{i,t} + \beta_2 ACE_{i,t} + \beta_3 AS_{i,t} + \beta_4 INS_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 MTB_{i,t} + \beta_7 OPCYCLE_{i,t} + \beta_8 SCH_{i,t} + \beta_9 SIZE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

نکته ای که در اینجا با آن مواجه هستیم این است که این معادلات را نمی توان به صورت جداگانه برآورد کرد. علت آن است که در برآورد تک معادلات با این فرض مواجه ایم که متغیرهای توضیحی به صورت برون زا تعیین شده اند، اما در این جا می بینیم که متغیرهای مالکیت مدیریتی و عملکرد هنگامی که به عنوان متغیرهای توضیحی آورده می شوند، برونزا نیستند؛ به عبارت دیگر، در این پژوهش تعامل (رابطه همزمان) بین متغیرها درون زا مورد بررسی قرار می گیرد؛ بنابراین، جهت برآورد پارامترهای سیستم به دلیل مشکل اریب همزمانی یا اریب معادلات همزمان که باعث اریبی و ناسازگاری برآورد کننده های ضرایب ساختاری مدل می شود، نمی توان از روش حداقل مربعات معمولی استفاده کرد. در نتیجه، این معادلات را باید در قالب سیستم معادلات همزمان برآورد کرد. روش حداقل مربعات همزمان سه مرحله ای یک روش سیستمی است که ارتباطات احتمالی بین اجزا هر معادله را در نظر می گیرد. در این قبیل معادلات، تعداد معادله ها از یک بیشتر است و به ازای هر متغیر درون زا، یک معادله وجود دارد؛ بنابراین، بر خلاف مدل های تک معادله ای، در مدل های معادلات همزمان، بدون توجه به اطلاعات حاصل از سایر معادلات سیستم، نمی توان به تخمین پارامترهای یک معادله منفرد پرداخت.

۴-۵. متغیرهای پژوهش

از آنجا که بررسی روابط بین بینش کمیته حسابرسی، ارقام تعهدی و لحن بدبینانه گزارشگری مالی با استفاده از معادلات همزمان صورت می‌پذیرد، متغیرها در دو دسته متغیرهای درون زا و برون زا تشریح می‌شوند.

الف) متغیرهای درون زا

بینش کمیته حسابرسی: برای محاسبه بینش کمیته حسابرسی از چهار معیار (اندازه کمیته حسابرسی، استقلال کمیته حسابرسی، تخصص کمیته حسابرسی و تعداد جلسات کمیته حسابرسی) استفاده می‌گردد. بینش کمیته حسابرسی شامل مجموع نمرات معیارهای گفته شده است که تابع ریاضی آن به صورت رابطه (۸) بیان می‌گردد:

مدل (۸)

$$ACE_{i,t} = \sum (ACIND_{i,t} + ACEXP_{i,t} + ACSIZE_{i,t} + ACMEE_{i,t})$$

که در آن:

$ACIND_{i,t}$: متغیر دو وجهی است که بیانگر استقلال کمیته حسابرسی است. مطابق بند یک ماده یک منشور کمیته حسابرسی عضو مستقل، عضوی است فاقد هرگونه رابطه یا منافع مستقیم یا غیرمستقیم که بر تصمیم‌گیری مستقل وی اثرگذار باشد. موجب جانبداری وی از منافع فرد یا گروه خاصی از سهامداران یا سایر ذی‌نفعان شود یا سبب عدم رعایت منافع یکسان سهامداران گردد؛ بنابراین استقلال کمیته حسابرسی برابر است با نسبت تعداد اعضای مستقل (غیرموظف) کمیته حسابرسی بر کل تعداد اعضای کمیته حسابرسی. در صورتی که این نسبت از میانه استقلال کمیته حسابرسی بزرگتر باشد، شرکت مربوط دارای استقلال کمیته حسابرسی بوده و در این صورت عدد یک خواهد گرفت و در غیر این صورت عدد صفر به آن داده خواهد شد.

$ACEXP_{i,t}$: متغیر دو وجهی است که بیانگر تخصص مالی و حسابداری اعضای کمیته حسابرسی است. اگر در پایان سال مالی بیش از دو عضو از اعضای کمیته حسابرسی دارای تخصص مالی و حسابداری و مدیریت باشند، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر خواهد گرفت. مطابق بند شش ماده ۱ منشور کمیته حسابرسی سازمان بورس و اوراق بهادار ایران (۱۳۹۱) تخصص مالی اعضاء، مدرک دانشگاهی یا مدرک حرفه‌ای داخلی یا معتبر بین‌المللی در امور مالی (حسابداری، حسابرسی، مدیریت مالی، اقتصاد و سایر رشته‌های مدیریت با گرایش مالی یا اقتصادی) تعریف می‌شود.



$ACSIZE_{i,t}$: متغیر دو وجهی است که بیانگر تعداد اعضای کمیته حسابرسی است. مطابق بند یک ماده ۵ منشور کمیته حسابرسی تدوین (۱۳۹۱) بورس اوراق بهادار تهران، تعداد اعضای کمیته متشکل از ۳ تا ۵ عضو می باشد؛ بنابراین در صورتی که کمیته حسابرسی حداقل ۳ عضو دارا باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر خواهد گرفت.

$ACMEE_{i,t}$: متغیر دو وجهی است که بیانگر تعداد جلسات کمیته حسابرسی است. مطابق بند دو ماده ۱۴ منشور کمیته حسابرسی تدوین (۱۳۹۱) بورس اوراق بهادار تهران، تعداد جلسات کمیته حسابرسی نباید کمتر از ۶ بار در سال باشد، بنابراین کمیته در صورتی برگزاری حداقل ۶ جلسه عدد یک و در صورت برگزاری کمتر از ۶ جلسه عدد صفر خواهد گرفت.

لحن بدبینانه گزارشگری مالی: لحن متغیری است که شاخصی برای زبان گزارشگری مالی در گزارش سالانه است. تجزیه و تحلیل آن نیازمند استفاده از ابزار لحن خوش بینانه و بدبینانه در نمونه هاست برای به دست آوردن سطوح نظام مند لحن خوش بینانه و بدبینانه، از واژه هایی استفاده شده است که به طور گسترده در تجزیه و تحلیل گفتمان روایت از جمله، سخنرانی های سیاست مداران، سخنرانی های سیاست گذاران، گزارش های سالانه به سهامداران و دیگر ارتباطات کسب و کار کاربرد دارد. تحلیل ها با فهرستی از واژه های موجود ساخته شده برای تجزیه و تحلیل متن و محتوا انجام شده است این فهرست از واژه ها مبتنی بر نظریه زبانی است که در پژوهش های دانشگاهی در زمینه های کاربردی به طور گسترده تر استفاده می شود (داویس و همکاران، ۲۰۱۲). سه فهرست از واژه ها به عنوان بدبینانه، برچسب "سرزنش"، "سختی" و "انکار" و سه فهرست از واژه ها به عنوان خوشبینانه، برچسب "با ارزش"، "رضایت مندی" و "فکر خوب"، ملاک تشخیص لحن گزارشگری مالی در نظر گرفته شده که در جدول (۱) و (۲) ذکر شده است.

واژه های به کار رفته در تشخیص لحن خوش بینانه و بدبینانه، ترجمه ای از فهرست واژه های به کار رفته در نرم افزار تجزیه و تحلیل متن و محتوای دیکشن است که اغلب در گفتمان معاصر آمریکا استفاده می شود (داویس و همکاران، ۲۰۱۲). با توجه به اینکه واژه های به کار رفته در تشخیص لحن بدبینانه و خوش بینانه، برای شناسایی جنبه های ظریف زبان طراحی شده است؛ بنابراین، با نهایت دقت و با بهره گیری از استادان زبان، اقدام به ترجمه این واژه ها شد لازم به ذکر است پس از بررسی گزارش های توضیحی

حسابداری از جمله گزارش های سالانه هیئت مدیره شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مشاهده شد، این واژه ها به طور گسترده ای استفاده شده اند.

جدول (۱): فهرست واژه های مرتبط با لحن بدبینانه

فهرست واژه های سرزنش	
واژه های نمونه	تعریف
مشکل دار (ایراد)، آینده تاریک، بد، بی دقتی، گران، سخت (پیچیده)، دشمن، بی ثبات (ناپایدار)، ناراحت کننده	اصطلاحاتی که مشخص کننده عدم تناس اجتماعی و شر هستند صفاتی که توصیف کننده موقعیت های ناگوار و نوسانات غیرمنتظره هستند که شامل سیاه نمایی های آشکار نیز می شود.
فهرست واژه های مرتبط با سختی	
واژه های نمونه	تعریف
سوء استفاده، هشدار، نبرد، تضاد (عدم همخوانی)، افسرده، ناامید کننده، دلسرد، ورشکسته شدن، ترس، سختی، مشکل، پشیمانی (ناامیدی)، تنزل، تهدید، متأسفانه، ضعف (نقص)	شامل بلاایای طبیعی، اقدامات خصمانه و رفتارهای انسانی توییخی و سرزنش بار و همچنین، نتایج ناخوشایند سیاسی و نیز ترس طبیعی انسان و عدم صلاحیت نیروی انسانی است.
فهرست واژه های مرتبط با انکار، عدم پذیرش و رد کردن	
واژه های نمونه	تعریف
نیستند، نمی توان، انجام نداد، نباید، انجام ندادن، نه هیچ (صفر)	واژه هایی با کارکرد منفی و واژه هایی که مشخص کننده مجموعه های تهی (پوچ) هستند.

جدول (۲): فهرست واژه های مرتبط با لحن خوش بینانه

فهرست واژه های با ارزش (تمجید)	
واژه های نمونه	تعریف
بهترین، بهتر، توانا، مطلوب، خوب، عالی، مهم، مثبت، سودآور، قوی، موفق	تأیید برخی از افراد، گروه ها و یا نهاد انتزاعی که شامل واژه های مجز اکننده کیفیت های اجتماعی، کیفیت فیزیکی، کیفیت فکری، کیفیت کارآفرینی و کیفیت اخلاقی مهم است همه اصطلاحات در این فرهنگ لغت، صفت هستند.
فهرست واژه های مرتبط با رضایت مندی	

واژه های نمونه	تعریف
تحسین، جشن گرفتن، راحت، اعتماد به نفس، خوشحال، لذت بردن، شور و شوق، هیجان زده، خوشحال، راضی	واژه های مرتب با حالت های مثبت اثر بخش (عاطفی)، با لحظه های لذت آور و تفریحات لذت بخش یا با واژه های مرتبط با موفقیّت تمامی واژه ها در حیطه پرورشی هستند.
فهرست واژه های مرتبط با فکر خوب	
واژه های نمونه	تعریف
تعهد، فداکاری، بهبود، وفاداری، بهره وری، پیشرفت، کیفیت	فضایلی که شایسته احترام جهانی هستند، بیشتر اصطلاحاتی هستند که مجز اکننده کیفیت های اخلاقی مطلوب و همین طور خصوصیت های شخصی مؤثر ایده آل های اجتماعی و سیاسی نیز شامل این واژه ها هستند.

با توجه به نبودن نرم افزاری که بتواند متون فارسی به فرمت PDF را تحلیل و تعداد و نوع کلمات مورد نیاز را استخراج کند، به مطالعه گزارش های سالانه هیئت مدیره ۹۹۰ سال - شرکت اقدام و با شمارش دستی، تعداد واژه های بدبینانه، خوش بینانه و کل واژه های هر گزارش استخراج شد. سپس تعداد واژه های بدبینانه و خوش بینانه در هر گزارش به طور جداگانه بر تعداد کل واژه ها تقسیم شد و نسبت هایی به دست آمده طبق روش فلدمن و همکاران (۲۰۱۰)، داویس و تاماسوییت (۲۰۱۲) در گزارش های توضیحی حسابداری، هرگاه نسبت واژه های بدبینانه بر تعداد کل واژه ها، بیشتر از نسبت واژه های خوش بینانه بر کل واژه ها باشد، لحن گزارش، بدبینانه خواهد بود و برعکس. با توجه به اینکه لحن بدبینانه گزارشگری مالی، از قابلیت اتکا برخوردار است و بدون سوگیری خاصی بیان می شود و همچنین، مدیران با استفاده از لحن بدبینانه، اطلاعات مربوط تر و آینده نگرتری در گزارش های سالانه افشا می کنند، از لحن بدبینانه در الگوی آزمون فرضیه ها استفاده شد.

1 Feldman et al

2 Davis & Tama-Sweet

اقلام تعهدی: برای محاسبه ارقام تعهدی به پیروی از تحقیق چن و گانگ (۲۰۱۹) ارتباط بین ارزش بازار سهام و اجزای سود حسابداری یعنی جریان های نقدی عملیاتی، ارقام تعهدی غیر اختیاری و ارقام تعهدی اختیاری مورد توجه قرار می گیرد. در این مدل مقادیر خطای مدل (۹) نشان دهنده ارقام تعهدی کل است.

$$P_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 DA_{i,t} + \beta_2 NDA_{i,t} + \beta_3 CFO_{i,t} \quad \text{مدل (۹)}$$

که در این مدل $P_{i,t}$: نشان دهنده ارزش بازار (تعداد سهام ضرب در قیمت پایانی سهم) تقسیم بر جمع کل دارایی ها؛ $DA_{i,t}$: بیانگر ارقام تعهدی اختیاری؛ $NDA_{i,t}$: بیانگر ارقام تعهدی غیر اختیاری و $CFO_{i,t}$: بیانگر جریان نقدی عملیاتی تقسیم بر جمع کل دارایی می باشد.

اقلام تعهدی اختیاری (DA): ارقام تعهدی اختیاری به صورت ارقامی تعریف می شود که مدیریت بر آن کنترل دارد و می تواند آن ها را به تاخیر اندازه، حذف کند یا ثبت و شناسایی آن را تسریع نماید.

اقلام تعهدی غیر اختیاری (NDA): ارقام تعهدی غیر اختیاری، به وسیله استانداردهای حسابداری الزامی شده و تحت تاثیر شرایط اقتصادی شرکت هستند و به واسطه مقررات سازمان ها و دیگر عوامل خارجی محدود می شوند. این ارقام به طور نسبی از دستکاری شدن توسط مدیریت در امان می باشند. برای اندازه گیری ارقام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری از مدل دیچف و دیچو (۲۰۰۲) و فرانسیس و همکاران (۲۰۰۶) استفاده می گردد:

$$\frac{ACC_{i,t}}{A_{t-1}} = \alpha_0 + \alpha_1 \frac{CFO_{i,t-1}}{A_{t-1}} + \alpha_2 \frac{CFO_{i,t}}{A_{t-1}} + \alpha_3 \frac{CFO_{i,t+1}}{A_{t-1}} + \alpha_4 \frac{\Delta REV_{i,t}}{A_{t-1}} + \alpha_5 \frac{PPE_{i,t}}{A_{t-1}} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۱۰)}$$

که در آن $ACC_{i,t}$ جمع ارقام تعهدی کل شرکت i در سال t برابر است با سود قبل از بهره و مالیات منهای جریان وجه نقد عملیاتی شرکت که از رابطه زیر به دست می آید:

1 Chen & Gong

2 Dechow & Dichev

3 Francis et al

$$ACC = NI - CFO$$

CFO : جریان نقدی عملیاتی.

ΔREV : تغییر در درآمد فروش.

PPE : اموال، ماشین آلات و تجهیزات.

A_{t-1} : ارزش دفتری دارایی‌های اول دوره.

$\varepsilon_{i,t}$: باقیمانده مدل (۱۰) نشان دهنده ارقام تعهدی اختیاری است.

ارقام تعهدی غیر اختیاری پس از تعیین ارقام تعهدی اختیاری به صورت زیر محاسبه می‌گردد:

$$NDA = \frac{ACC_{i,t}}{A_{t-1}} - DA$$

ب) متغیرهای برون‌زا

چرخه عملیاتی: چرخه عملیاتی در این پژوهش شامل ۲ نسبت فعالیت: ۱- دوره گردش موجودی کالا ۲- دوره وصول مطالبات می‌باشد و از جمع این دو نسبت به دست می‌آید. این نسبت‌های فعالیت تعیین می‌کند که تا چه حد مؤسسه منابع خود را به نحو مؤثر بکار می‌گیرد. این نسبت‌ها مربوط به مقایسه میان حجم فروش و سرمایه‌گذاری در دارایی‌های مختلف مانند موجودی‌ها، بدهکاران و غیره می‌باشد.

دوره وصول مطالبات + دوره گردش موجودی کالا = چرخه عملیاتی

$$\text{نسبت گردش موجودی کالا} = \frac{360}{\text{دوره گردش موجودی کالا}}$$

$$\text{نسبت گردش موجودی کالا} = \frac{\text{بهای تمام شده کالای فروش رفته}}{\text{متوسط موجودی کالا}}$$

$$\text{دوره وصول مطالبات} = \frac{360}{\text{نسبت گردش حساب‌های دریافتی}}$$

$$\text{نسبت گردش حساب‌های دریافتی} = \frac{\text{فروش خالص}}{\text{متوسط حساب‌های دریافتی}}$$

سهامداران نهادی: مطابق با تعریف بند ۲۷ ماده ۱ قانون اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، سرمایه گذاران نهادی، هر شخص حقیقی یا حقوقی که بیش از ۵ درصد و یا بیش از ۵ میلیارد ریال از ارزش اسمی اوراق بهادار در دست انتشار را خریداری کند، نیز جزو این گروه از سرمایه گذاران محسوب می شوند (فخاری و طاهری، ۱۳۸۹). درصد سهامداران نهادی برابر است با نسبت سهام شرکت های که توسط نهادهای سرمایه گذاری عمده نگهداری می شود به کل سهام منتشر شده و در دست سهامداران شرکت.

اندازه حسابرس: اندازه حسابرس یک متغیر مجازی است که با مقادیر صفر و یک نشان داده می شود. مقدار یک برای شرکت هایی که حسابرس خود را یک موسسه حسابرسی بزرگ انتخاب کرده اند و مقدار صفر برای شرکت هایی که سایر مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی را به عنوان حسابرس خود انتخاب نموده اند. موسسات بزرگ، موسساتی هستند که تعداد کارکنان آن ها بیش از ۲۰۰ نفر باشند. در نتیجه در بازار حسابرسی ایران موسسات بزرگ حسابرسی شامل سازمان حسابرسی و موسسه حسابرسی مفید راهبر می باشند (بنی مهد و جعفری منافی، ۱۳۹۲).

اندازه شرکت: لگاریتم طبیعی کل دارایی های شرکت.

ارزش بازار به ارزش دفتری سهام: برابر با نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام می باشد. ارزش بازار شرکت برابر قیمت سهام شرکت در پایان سال در تعداد سهام شرکت و ارزش دفتری شرکت برابر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام است.

اهرم مالی: این نسبت رابطه منابع مالی مورد استفاده واحد تجاری را از لحاظ بدهی ها یا حقوق صاحبان سهام تعیین و ارزیابی می کند و در واقع نحوه ترکیب آنها را بررسی می نماید. در این پژوهش، برای اندازه گیری اهرم مالی شرکت از تقسیم کل بدهی بر کل دارایی ها استفاده می شود.

تغییرات فروش: تغییرات فروش سال جاری نسبت به سال قبل.

۶. یافته های پژوهش

۶-۱. آمار توصیفی

برای بررسی و تجزیه و تحلیل اولیه داده ها، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش محاسبه و در جدول (۳) ارائه شده است. اصلی ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده هاست. مقدار میانگین برای متغیر بینش کمیته حسابرسی

برابر با ۱.۷۴۳ است که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. میانگین اندازه حسابرس ۰.۲۳۰ است که نشان می‌دهد به طور متوسط ۲۳ درصد شرکت‌های مورد بررسی از سازمان حسابرسی برای حسابرسی صورت‌های مالی خود استفاده کرده‌اند. میانگین سهامداران نهادی ۰.۵۸۷ است که نشان می‌دهد به طور متوسط حدوداً ۵۹ درصد سهامداران عمده شرکت‌های مورد بررسی را سهامداران نهادی تشکیل داده‌اند. میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی است که وضعیت جامعه را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود مقدار متغیر بینش کمیته حسابرسی ۲ است که نشان می‌دهد نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. به طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. در بین متغیرهای پژوهش متغیر لحن گزارشگری مالی با انحراف معیار ۰.۱۸۶ دارای کمترین پراکندگی از میانگین و متغیر تغییرات فروش با انحراف معیار ۰.۵۲۷۰۳۰۱ دارای بیشترین پراکندگی از میانگین را دارا می‌باشند. میزان عدم تقارن منحنی فراوانی را چولگی می‌نامند. اگر ضریب چولگی صفر باشد، جامعه به طور کامل متقارن است و چنانچه این ضریب مثبت باشد، چولگی به راست و اگر ضریب منفی باشد چولگی به چپ دارد. متغیر زیان شرکت بیشترین عدم تقارن و متغیر رتبه افشا کمترین عدم تقارن را نسبت به توزیع نرمال دارند. میزان کشیدگی یا پخی منحنی فراوانی نسبت به منحنی نرمال استاندارد را برجستگی یا کشیدگی می‌نامند. متغیر زیان شرکت بیشترین برجستگی و متغیر رتبه افشا کمترین برجستگی را نسبت به منحنی نرمال دارد. هنگامی که مقدار کشیدگی برابر صفر باشد توزیع داده‌ها طبیعی است یعنی در شکل توزیع که بلند و رو به بالاست، داده‌ها به طور تقریبی نزدیک به هم هستند و واریانس کم است. در صورتی که کشیدگی مثبت باشد برآمدگی منحنی توزیع داده‌ها در نقطه اوج قرار خواهد گرفت. در شکل توزیع مسطح که کشیدگی منفی دارد، داده‌ها دور از هم قرار دارند و واریانس زیاد است.

جدول (۳): نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	کمترین	بیشترین	چولگی	کشیدگی	مشاهدات
بینش کمیته حسابرسی	۱.۷۴۳	۲	۰.۵۹۴	۱	۳	۰.۱۵۱	۲.۴۷۳	۹۹۰
لحن گزارشگری مالی	۰.۵۵۸	۰.۵۷۳	۰.۱۸۶	۰.۰۸۹	۰.۸۸۸	-۰.۱۵۹	۲.۱۱۵	۹۹۰



۹۹۰	۵۸۵۵	۰.۲۶۵	۳.۱۶۱	-۳.۶۴۹	۰.۷۷۵	-۰.۱۵۵	-۰.۰۲۹	اقلام تعهدی
۹۹۰	۲۶۴۱	۱.۲۸۱	۱	۰	۰.۴۲۱	۰	۰.۲۳۰	اندازه حسابرس
۹۹۰	۱.۹۱۵	-۰.۵۲۶	۰.۹۹	۰	۰.۳۰۵	۰.۶۷۶	۰.۵۸۷	سهامداران نهادی
۹۹۰	۲.۲۹۷	۰.۰۳۴	۰.۹۶۲	۰.۲۵۱	۰.۱۹۱	۰.۶۰۴	۰.۵۹۶	اهرم مالی
۹۹۰	۳.۳۰۷	۱.۰۸۷	۸.۰۸۵	۰.۵۳۶	۲.۰۷۰	۲.۲۸۹	۲.۹۴۸	ارزش بازار به ارزش دفتری
۹۹۰	۲.۷۷۲	۰.۷۲۱	۶۲۶.۱۳۶	۸۹.۷۰۷	۱۴۵.۳۰۶	۲۶۰.۷	۲۹۰.۱۴	چرخه عملیاتی
۹۹۰	۸۶۶۹	۲.۳۹۳	۲۰۶۵.۰۵۹	-۳۹۸۷۸۷	۵۲۷۰۳۰.۱	۶۱۵۱۸.۵	۲۱۴۷۵۷.۷	تغییرات فروش
۹۹۰	۲.۷۱۷	۰.۴۰۷	۱۶.۵۹۲	۱۱.۶۸۱	۱.۳۷۳	۱۳.۷۶۲	۱۳.۸۶۴	اندازه شرکت

۶-۲. نتایج آزمون درون زایی متغیرها

شرط لازم جهت برآورد سیستم معادلات همزمان، اثبات درون زایی متغیرهای درون زای سیستم است. برای این منظور از آزمون هاسمن استفاده می شود. برای آزمون درون زایی اقلام تعهدی در معادله بینش کمیته حسابرسی، ابتدا اقلام تعهدی را با استفاده از همه متغیرهای برون زای سیستم برآورد نموده و مقادیر باقیمانده ناشی از تخمین (R) را به صورت یک متغیر جداگانه در نظر می گیریم. حال معادله بینش کمیته حسابرسی را نوشته و آن را با استفاده از همه متغیرهای سابق به علاوه متغیر R (به عنوان یک متغیر توضیحی جدید) برآورد می کنیم. حال اگر ضریب متغیر جدید (R) معنی دار باشد، به معنی این است که اقلام تعهدی در معادله بینش کمیته حسابرسی درون زای می باشد. براساس جدول (۴) درون زایی متغیر اقلام تعهدی مورد تایید قرار گرفت. به دنبال آن، مشابه آنچه در بالا گفته شد، درون زایی متغیر بینش کمیته حسابرسی در

معادله ارقام تعهدی نیز مورد تایید قرار گرفت (جدول ۵). براساس این روش به اثبات درون زایی متغیرهای درون زایی سیستم در فرضیه دوم و سوم نیز می پردازیم. با توجه به جدول (۶) درون زایی متغیر لحن بدبینانه گزارشگری مالی در معادله بیش کمیته حسابرسی مورد تایید قرار گرفت. به دنبال آن، درون زایی متغیر بیش کمیته حسابرسی در معادله لحن بدبینانه گزارشگری مالی نیز مورد تایید قرار گرفت (جدول ۷). با توجه به جدول (۸) درون زایی متغیر لحن بدبینانه گزارشگری مالی در معادله های بیش کمیته حسابرسی و ارقام تعهدی مورد تایید قرار گرفت. به دنبال آن، درون زایی متغیر بیش کمیته حسابرسی در معادله لحن بدبینانه گزارشگری مالی و ارقام تعهدی نیز مورد تایید قرار گرفت (جدول ۹). در نهایت با توجه به جدول (۱۰) درون زایی متغیر ارقام تعهدی در معادله های لحن بدبینانه گزارشگری مالی و بیش کمیته حسابرسی نیز مورد تایید قرار گرفت.

فرضیه اول:

جدول (۴): نتایج آزمون درون زا بودن متغیر ارقام تعهدی

متغیر	ضریب	سطح معناداری
R1 مدل بیش کمیته حسابرسی	۱۸.۷۴۹	۰.۰۰۰

جدول (۵): نتایج آزمون درون زا بودن متغیر بیش کمیته حسابرسی

متغیر	ضریب	سطح معناداری
R2 مدل ارقام تعهدی	۳۴.۹۷۵	۰.۰۰۰

جدول (۶): نتایج آزمون درون زا بودن متغیر لحن بدبینانه گزارشگری مالی

متغیر	ضریب	سطح معناداری
R1 مدل بیش کمیته حسابرسی	۱۵.۳۷۰	۰.۰۰۰

جدول (۷): نتایج آزمون درون زا بودن متغیر بیش کمیته حسابرسی

متغیر	ضریب	سطح معناداری
R2 مدل لحن بدبینانه گزارشگری مالی	۲۳/۷۲۵	۰.۰۰۰

فرضیه دوم

فرضیه سوم

جدول (۸): نتایج آزمون درون زا بودن متغیر لحن بدبینانه گزارشگری مالی

متغیر	ضریب	سطح معناداری
R1 مدل بینش کمیته حسابرسی	۶۲۵.۳۹۵	۰.۰۰۰
R2 مدل اقلام تعهدی	۵۳.۴۰۸	۰.۰۰۰

جدول (۹): نتایج آزمون درون زا بودن متغیر بینش کمیته حسابرسی

متغیر	ضریب	سطح معناداری
R1 مدل لحن بدبینانه گزارشگری مالی	۱۹.۳۸۰	۰.۰۰۰
R2 مدل اقلام تعهدی	۳۳.۸۶۹	۰.۰۰۰

جدول (۱۰): نتایج آزمون درون زا بودن متغیر اقلام تعهدی

متغیر	ضریب	سطح معناداری
R1 مدل لحن بدبینانه گزارشگری مالی	۰.۰۸۱	۰.۰۰۰
R2 مدل بینش کمیته حسابرسی	۱۸.۰۲۷	۰.۰۰۰

۳-۶. نتایج آزمون فرضیه های پژوهش

بعد از اینکه رابطه متقابل بین متغیرهای پژوهش مورد تأیید قرار گرفت، معادلات از طریق سیستم معادلات همزمان تخمین زده شد که نتایج ناشی از این تخمین در ادامه آورده شده است و یافته های تحقیق به تفکیک هر یک از فرضیه ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد، به شرح زیر است:

در مدل رگرسیونی فرضیه اول، در صورتی که ضریب رگرسیونی β_1 معنادار باشد، رابطه بین بینش کمیته حسابرسی و اقلام تعهدی مورد تأیید خواهد شد و برای تأیید رابطه بین اقلام تعهدی و بینش کمیته حسابرسی لازم است ضریب رگرسیونی β_1 در مدل شماره ۲ نیز معنادار باشد. بررسی جدول (۱۱) نشان می دهد آماره دوربین واتسون برابر با ۱.۸۲ بین (۱.۵-۲.۵) است، بیانگر نبود خطاهای خودهمبستگی مدل

می‌باشد. با توجه به آماره F و سطح معناداری (۰.۰۰۰) مدل رگرسیون برازش شده معنادار است. در این مدل ضریب تعیین تعدیل برابر با ۰.۸۴۲ است؛ این آماره نشان می‌دهد که حدوداً ۸۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیر مستقل و کنترلی مدل قابل تبیین و توضیح است. ضریب رگرسیونی بینش کمیته حسابرسی ۰.۳۷- و سطح معناداری آن ۰.۰۳۷ است؛ بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد رابطه بین بینش کمیته حسابرسی و اقلام تعهدی منفی و معنادار است به عبارتی دیگر با کاهش بینش کمیته حسابرسی، اقلام تعهدی شرکت‌ها افزایش می‌یابد. ضریب تعیین در مدل دوم ۰.۰۲۲ نشان می‌دهد ۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیر مستقل و کنترلی مدل قابل تبیین و توضیح است. از طرفی ضریب رگرسیونی اقلام تعهدی در معادله دوم ۰.۰۵۸- و سطح معناداری آن ۰.۰۳۲ است؛ بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد رابطه بین اقلام تعهدی و بینش کمیته حسابرسی منفی و معنادار است به عبارتی دیگر با کاهش اقلام تعهدی، بینش کمیته حسابرسی، شرکت‌ها افزایش می‌یابد؛ لذا با توجه به نتایج پژوهش بین بینش کمیته حسابرسی و اقلام تعهدی رابطه متقابل و معناداری وجود دارد؛ بنابراین فرضیه اول پژوهش با اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته خواهد شد.

جدول (۱۱): نتایج برآورد مدل رگرسیونی فرضیه اول

متغیر وابسته: اقلام تعهدی				
متغیر	β	SE	آماره t	sig
مقدار ثابت	۰.۰۸۱	۰.۳۲۸	۰.۲۴۷	۰.۸۰
بینش کمیته حسابرسی	-۰.۰۳۷	۰.۰۱۸	-۲.۰۸۰	۰.۰۳۷
اندازه حسابرس	۰.۰۳۲	۰.۰۲۷	۱.۱۹۴	۰.۲۳۲
سهامداران نهادی	-۰.۰۱۶	۰.۱۱۲	-۰.۱۴۵	۰.۸۸۴
اهرم مالی	-۱.۴۵۸	۰.۰۷۰	-۲۰.۷۵۶	۰.۰۰۰
ارزش بازار به ارزش دفتری	۰.۲۷۷	۰.۰۰۶	۴۷.۲۴۶	۰.۰۰۰
چرخه عملیاتی	۰.۰۰۰۵	۰.۰۰۰۸	۶.۵۳۴	۰.۰۰۰
تغییرات فروش	-۰.۰۰۰۲۸	۰.۰۰۰۲	-۱.۴۰۱	۰.۱۶۱
اندازه شرکت	-۰.۰۰۸	۰.۰۲۵	-۰.۳۲۷	۰.۷۴۳
ضریب تعیین	۰.۸۴۲		آماره F	۳۹.۸۸۰ (۰.۰۰۰)

ضریب تعیین تعدیل شده		۰.۸۲۱	دوربین واتسون	۱.۸۲
متغیر وابسته: بینش کمیته حسابرسی				
متغیر	β	SE	آماره t	sig
مقدار ثابت	۱.۲۸۲	۰.۳۲۳	۳.۹۵۹	۰.۰۰۰
اقلام تعهدی	-۰.۰۵۸	۰.۰۲۷	-۲.۱۴۱	۰.۰۳۲
اندازه حسابرس	۰.۰۵۱	۰.۰۲۰	۲.۴۹۱	۰.۰۱۲
سهامداران نهادی	۰.۰۳۹	۰.۱۱۱	۰.۳۵۴	۰.۷۲۴
اهرم مالی	-۰.۱۷۱	۰.۰۸۴	-۲.۰۲۲	۰.۰۴۳
ارزش بازار به ارزش دفتری	۰.۰۱۰	۰.۰۰۸	۱.۳۵۹	۰.۱۷۴
چرخه عملیاتی	۰.۰۰۰۲	۰.۰۰۰۹	۲.۲۶۸	۰.۰۲۳
تغییرات فروش	۰.۰۰۰۶	۰.۰۰۰۲	۲.۲۰۹	۰.۰۲۷
اندازه شرکت	۰.۰۳۲	۰.۰۲۲	۱.۴۱۹	۰.۱۵۶
ضریب تعیین	۰.۰۲۲	۰.۰۰۰۴	۲.۷۸۲	(۰.۰۰۴)
ضریب تعیین تعدیل شده	۰.۰۱۴	دوربین واتسون	۱.۶۸	

۳-۲-۳. نتایج آزمون فرضیه دوم

در مدل رگرسیونی فرضیه دوم، در صورتی که ضریب رگرسیونی β_1 معنادار باشد، رابطه بین بینش کمیته حسابرسی و لحن بدبینانه گزارشگری مالی مورد تایید خواهد شد و برای تایید رابطه بین لحن بدبینانه گزارشگری مالی و بینش کمیته حسابرسی لازم است ضریب رگرسیونی β_1 در مدل شماره ۲ نیز معنادار باشد. بررسی جدول (۱۲) نشان می‌دهد آماره دوربین واتسون برابر با ۱.۶۸ بین (۱.۵-۲.۵) است، بیانگر نبود خطاهای خودهمبستگی مدل می‌باشد. با توجه به آماره F و سطح معناداری (۰.۰۰۰) مدل رگرسیون برازش شده معنادار است. در این مدل ضریب تعیین برابر با ۰.۹۹۷ است؛ این آماره نشان می‌دهد که حدوداً

۹۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیر مستقل و کنترلی مدل قابل تبیین و توضیح است. ضریب رگرسیونی بینش کمیته حسابرسی ۰.۰۰۱ و سطح معناداری آن ۰.۵۳۶ است؛ بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد رابطه بین بینش کمیته حسابرسی و لحن بدبینانه گزارشگری مالی معنادار نیست. ضریب تعیین در مدل دوم ۰.۰۱۷ نشان می‌دهد ۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیر مستقل و کنترلی مدل قابل تبیین و توضیح است. از طرفی ضریب رگرسیونی لحن بدبینانه گزارشگری مالی در معادله دوم ۰.۰۱۳ و سطح معناداری آن ۰.۸۹۲ است؛ بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد رابطه بین لحن بدبینانه گزارشگری مالی و بینش کمیته حسابرسی معنادار نیست. لذا با توجه به نتایج بین بینش کمیته حسابرسی و لحن بدبینانه گزارشگری مالی رابطه متقابل و معناداری وجود ندارد؛ بنابراین فرضیه دوم پژوهش با اطمینان ۹۵ درصد رد خواهد شد.

جدول (۱۲): نتایج برآورد مدل رگرسیونی فرضیه دوم

متغیر وابسته: لحن بدبینانه گزارشگری مالی				
متغیر	β	SE	آماره t	sig
مقدار ثابت	-۰.۰۴۹	۰.۰۲۳	۲.۱۲۰	۰.۰۳۴
بینش کمیته حسابرسی	۰.۰۰۱	۰.۰۰۱	۰.۶۱۸	۰.۵۳۶
اندازه حسابرس	۰.۰۰۱	۰.۰۰۱	۰.۹۸۷	۰.۳۲۳
سهامداران نهادی	-۰.۰۰۲	۰.۰۰۳	-۰.۷۳۳	۰.۴۶۳
اهرم مالی	۰.۹۵۲	۰.۰۰۶	۱۷۰.۲۱۱	۰.۰۰۰
ارزش بازار به ارزش دفتری	۰.۰۰۱	۰.۰۰۴	۱.۴۲۷	۰.۱۵۴
چرخه عملیاتی	-۰.۰۰۰۴	۰.۰۰۰۵	-۰.۹۳۱	۰.۳۵۲
تغییرات فروش	۰.۰۰۰۳	۰.۰۰۰۸	۰.۴۲۴	۰.۶۷۲
اندازه شرکت	۰.۰۰۳	۰.۰۰۲	۱.۵۶۵	۰.۱۱۸
ضریب تعیین	۰.۹۹۷		آماره F	(۰.۰۰۰)۲۴۲۳.۷۰۸
ضریب تعیین تعدیل شده	۰.۹۹۶		دوربین واتسون	۱.۶۸
متغیر وابسته: بینش کمیته حسابرسی				
متغیر	β	SE	آماره t	sig

۰.۰۰۰	۳.۹۰۹	۰.۳۲۲	۱.۲۶۱	مقدار ثابت
۰.۸۹۲	۰.۱۳۵	۰.۰۹۴	۰.۰۱۳	لحن بدبینانه گزارشگری مالی
۰.۰۱۳	۲.۵۰۰	۰.۰۲۰	۰.۰۴۹	اندازه حسابرِس
۰.۶۶۴	۰.۴۲۵	۰.۱۰۹	۰.۰۴۸	سهامداران نهادی
۰.۲۵۱	-۱.۱۴۸	۰.۰۹۶	-۰.۱۱۰	اهرم مالی
۰.۴۴۹	-۰.۷۵۷	۰.۰۰۵	-۰.۰۰۴	ارزش بازار به ارزش دفتری
۰.۰۶۴	۱.۸۵۲	۰.۰۰۰۹	۰.۰۰۲	چرخه عملیاتی
۰.۰۲۹	۲.۱۷۹	۰.۰۰۰۲	۰.۰۰۰۵	تغییرات فروش
۰.۱۳۵	۱.۴۹۵	۰.۰۲۲	۰.۰۲۳	اندازه شرکت
(۰.۰۲۳)۲.۲۲۰	F	آماره	۰.۰۱۷	ضریب تعیین
۱.۶۸	دوربین واتسون		۰.۰۱۰	ضریب تعیین تعدیل شده

۳-۳-۶. نتایج آزمون فرضیه سوم

برای آزمون فرضیه سوم از مدل های رگرسیونی ۵، ۶ و ۷ که در آن بینش کمیته حسابرِس، اقلام تعهدی و لحن بدبینانه گزارشگری مالی هر یک به طور جداگانه به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است استفاده شده است. در صورتی که در مدل شماره ۵ ضرایب رگرسیونی β_1 و β_2 معنادار باشد به ترتیب تاثیر بینش کمیته حسابرِس و اقلام تعهدی بر لحن بدبینانه گزارشگری مالی تایید خواهد شد و در صورتی که در مدل شماره ۶ ضرایب رگرسیونی β_1 و β_2 معنادار باشد به ترتیب لحن بدبینانه گزارشگری مالی و اقلام تعهدی بر بینش کمیته حسابرِس تایید خواهد شد؛ در ضمن برای تایید تاثیر لحن بدبینانه گزارشگری مالی و بینش کمیته حسابرِس بر اقلام تعهدی لازم است ضرایب رگرسیونی β_1 و β_2 در مدل شماره ۷ معنادار باشد. با توجه به نتایج به دست آمده از جدول (۱۳)، نتایج پژوهش نشان می دهد بین بینش کمیته حسابرِس، اقلام تعهدی و لحن بدبینانه گزارشگری مالی به طور همزمان رابطه معناداری وجود دارد. نتایج به دست آمده از مدل رگرسیونی (۵) رابطه مثبتی بین بینش کمیته حسابرِس و لحن بدبینانه گزارشگری

مالی وجود دارد. همچنین نتایج همزمان نشان می‌دهد با توجه به ضریب رگرسیونی اقلام تعهدی (۰.۰۰۰۴) و سطح معناداری (۰.۰۳۹) افزایش اقلام تعهدی باعث کاهش لحن بدبینانه گزارشگری مالی می‌شود.

نتایج به دست آمده از مدل رگرسیونی (۶) به طور همزمان لحن بدبینانه گزارشگری مالی و اقلام تعهدی رابطه مثبتی با بینش کمیته حسابرسی دارند. در نهایت در مدل رگرسیونی (۷) ارتباط دو طرفه معکوس و معناداری بین بینش کمیته حسابرسی و لحن بدبینانه گزارشگری مالی با اقلام تعهدی شرکت‌ها دارند. لذا با توجه به نتایج پژوهش و وجود رابطه معنادار در مدل‌های (۵ و ۶ و ۷) فرضیه سوم پژوهش مبنی بر اینکه بین بینش کمیته حسابرسی، اقلام تعهدی و لحن بدبینانه گزارشگری مالی رابطه متقابل و معناداری وجود دارد؛ با اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته خواهد شد.

جدول (۱۳): نتایج برآورد مدل رگرسیونی فرضیه سوم

متغیر	مدل ۵			مدل ۶			مدل ۷		
	β	آماره t	sig	β	آماره t	sig	β	آماره t	sig
مقدار ثابت	-۰.۰۴۲	۳.۳۱۸	۰.۰۰۰	۱.۱۷۴	۳.۱۷۴	۰.۰۰۱	۰.۱۰۴	۰.۳۲۱	۰.۷۴۸
بینش کمیته حسابرسی	۰.۰۰۲	۲.۱۴۸	۰.۰۳۲	-	-	-	-۰.۰۳۶	-۲.۰۶۲	۰.۰۳۹
لحن بدبینانه گزارشگری مالی	-	-	-	۰.۳۲۷	۲.۴۵۵	۰.۰۱۴	-۰.۳۱۰	-۱.۹۷۲	۰.۰۴۸
اقلام تعهدی	-۰.۰۰۴	-۲.۰۶۳	۰.۰۳۹	۰.۰۶۱	۲.۵۰۱	۰.۰۱۲	-	-	-
اندازه حسابرس	۰.۰۰۰۳	۰.۲۶۱	۰.۷۹۴	۰.۰۴۱	۱.۱۳۴	۰.۲۵۷	۰.۰۳۵	۱.۲۶۹	۰.۲۰۴
سهامداران نهادی	-۰.۰۰۳	-۱.۲۵۱	۰.۲۱۱	۰.۰۹۷	۰.۹۹۹	۰.۳۱۷	-۰.۰۲۷	-۰.۲۳۹	۰.۸۱۱
اهرم مالی	۰.۹۴۶	۱۲۲.۲۳	۰.۰۰۰	-۰.۱۹۴	-۱.۳۲۸	۰.۱۸۴	-۱.۲۲۳	-۷.۷۱۸	۰.۰۰۰
ارزش بازار به ارزش دفتری	۰.۰۰۲	۲.۲۸۰	۰.۰۲۲	-۰.۰۰۸	-۰.۹۳۵	۰.۳۴۹	۰.۲۷۹	۴۷.۳۴۱	۰.۰۰۰
چرخه عملیاتی	-۰.۰۰۰۳	-۰.۴۹۸	۰.۶۱۸	۰.۰۰۰۷	۰.۴۵۵	۰.۶۴۸	۰.۰۰۱	۶.۲۸۸	۰.۰۰۰
تغییرات فروش	۰.۰۰۰۶	۰.۶۷۴	۰.۴۹۹	۰.۰۰۰۳	۰.۹۵۵	۰.۳۴۰	-۰.۰۰۰۲	-۱.۴۱۳	۰.۱۵۷
اندازه شرکت	۰.۰۰۲	۱.۴۳۳	۰.۱۵۲	۰.۰۳۱	۱.۲۲۷	۰.۲۲۰	-۰.۰۰۰۷	-۰.۲۹۸	۰.۷۶۵
ضریب تعیین	۰.۹۹۶			۰.۰۱۸			۰.۸۴۴		
آماره F	۱۹۹۷.۵۴ (۰.۰۰۰)			۲۰۳۷ (۰.۰۳۳)			۳۹.۸۳۹ (۰.۰۰۰)		
دوربین واتسون	۱.۶۱			۱.۷۲			۱.۸۲		

۷. بحث و نتیجه گیری پژوهش

در این پژوهش به بررسی رابطه متقابل بینش کمیته حسابرسی، اقلام تعهدی و لحن بدبینانه گزارشگری مالی با استفاده از سیستم معادلات همزمان پرداخته شد. کمیته های حسابرسی در درجه اول موظف به نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی و اطمینان از گزارشگری مالی واقعی و منصفانه هستند (بیزلی و همکاران، ۲۰۰۹). به طور کلی، اثربخشی فرد نسبت به اهداف فرد مورد حمایت قرار می گیرد. طبق این تعریف، کمیته حسابرسی زمانی مؤثر تلقی می شود که کیفیت گزارشگری مالی آن به حداکثر برسد. با این حال، این تعریف کلی در زمینه حاکمیت شرکتی به دو دلیل مشکل ساز است (گروف و والتینچیچ، ۲۰۱۱). اول اینکه هیچ تعریف پذیرفته شده جهانی از کیفیت گزارشگری مالی وجود ندارد. دوم، این مدیران هستند که در نهایت و قانوناً مسئول گزارش دهی درست و منصفانه هستند، نه کمیته های حسابرسی. به این دلایل، بینش کمیته حسابرسی معمولاً بر حسب مشارکت آن در فعالیت های نظارتی مختلف مورد بحث قرار می گیرد. سه حوزه نظارتی گسترده کمیته حسابرسی شامل: (۱) نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی. (۲) نظارت بر کنترل های داخلی و مدیریت ریسک؛ و (۳) نظارت بر فعالیت حسابرس خارجی می باشد (بیزلی و همکاران، ۲۰۰۹).

(۱) نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی شامل نظارت بر سیاست های حسابداری، انطباق با مقررات و تحقیقات ویژه در موارد مشکوک یا مشکل ساز حسابداری است (بیزلی و همکاران، ۲۰۰۹). مسائلی که کمیته حسابرسی با آن مواجه می شود به مدیران گزارش می شود که در نهایت مسئول صحت صورت های مالی شرکت هستند (چوی و همکاران، ۲۰۱۴). در واقع، انتظار می رود نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی به طور مثبت با کیفیت گزارشگری مالی در ارتباط باشد.

(۲) نظارت بر کنترل داخلی، شامل حسابرسی داخلی و سیستم های مدیریت ریسک است. هر یک این سیستمها در یک شرکت به منظور حداقل سازی زبانهای ناشی از عملیات، اطمینان از استفاده کارآمد از منابع، حداقل سازی احتمال رخداد تقلب و محدود کردن انگیزه های مدیریتی جهت مشارکت در نوآوری بسیار پرخطر ایجاد شده اند.

(۳) وظیفه بااهمیت نظارتی سوم کمیته حسابرسی، ارائه توصیه هایی برای انتصاب، انتصاب مجدد و عزل حسابرسان خارجی به سهامداران یا هیئت مدیره است. علاوه بر این، کمیته حسابرسی موظف است شایستگی، صلاحیت و استقلال حسابرسان خارجی را ارزیابی کرده و به هیئت مدیره گزارش دهد (گروف و والتینچیچ،

۲۰۱۱). انتظار می‌رود مشارکت بیشتر کمیته حسابرسی در این فعالیت‌ها منجر به کیفیت بالاتر خدمات حسابرسی خارجی و به نوبه خود کیفیت بالاتر گزارشگری مالی شود.

در فرضیه اول این موضوع مطرح گردید که آیا بین بینش کمیته حسابرسی و ارقام تعهدی شرکت‌ها رابطه متقابل و معناداری وجود دارد؟ بر اساس یافته‌های پژوهش ارتباط دو طرفه معکوس و معناداری بین بینش کمیته حسابرسی و ارقام تعهدی شرکت‌ها وجود دارد. به عبارتی دیگر با افزایش بینش کمیته حسابرسی، ارقام تعهدی کاهش و با افزایش ارقام تعهدی، بینش کمیته حسابرسی کاهش پیدا می‌کند و بالعکس. مبانی نظری اکثر مطالعات موجود در زمینه بررسی رابطه کمیته حسابرسی و مدیریت سود، تئوری نمایندگی (جنسن و مک‌کلینگ، ۱۹۷۶) می‌باشد. براساس تئوری نمایندگی وجود عدم تقارن اطلاعاتی و تضاد منافع ناشی از روابط نمایندگی بین مدیران و سهامداران، مدیران را قادر می‌سازد از طریق گزارشگری مالی تصمیمات سرمایه‌گذاران را تحت تاثیر قرار دهند و موجبات گمراهی و فریب آنان را فراهم آورند. رابطه نمایندگی قراردادی است که بر اساس آن یک یا چند نفر مالک، شخص دیگری را به عنوان نماینده یا عامل خود منصوب می‌کنند و اختیارات تصمیم‌گیری در خصوص نحوه مدیریت شرکت یا سازمان را به آنها می‌سپارند. رابطه نمایندگی باعث ایجاد تضاد منافع ناشی از جدایی مالکیت از مدیریت می‌شود. در نتیجه این جدایی، هدف‌های متفاوت و همچنین عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران به وجود می‌آید که می‌تواند منجر به بحران مالی شرکت‌ها شود؛ یعنی ممکن است مدیران دست به رفتارهای فرصت‌طلبانه زده و تصمیماتی را اتخاذ نمایند که در جهت منافع آنها و تضاد منافع سهامداران باشد؛ بنابراین در ادبیات حسابداری، نظام راهبری شرکتی به عنوان راهکاری برای ایجاد کنترل و توازن بین منافع مدیران و سهامداران، کاهش هزینه‌های نمایندگی، مقابله با مدیریت سود، ایجاد ارزش برای شرکت‌ها و پیشگیری از درماندگی مالی شرکت‌ها تعریف شده است. در این راستا، مکانیزم‌های نظارتی داخلی و خارجی با افزایش ریسک شناسایی و لحاظ مجازات‌هایی در این راستا، از گزارشگری فرصت‌طلبانه مدیران جلوگیری نموده و موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شوند. در این ارتباط کمیته حسابرسی به عنوان یکی از مکانیزم‌های نظارتی، با عملکرد خود در رابطه با بهبود کیفیت گزارشگری مالی و صحت اطلاعات مالی از طریق نظارت مستمر بر رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی میان مدیران و سهامداران می‌گردد. در این راستا، کمیته‌های حسابرسی می‌توانند از طریق نظارت مستقیم بر کیفیت گزارشگری مالی ابزاری جهت کاهش هزینه‌های نمایندگی باشند. ادبیات موضوعی در رابطه با کمیته حسابرسی نشان می‌دهد اثربخشی کمیته حسابرسی در اصل تابع ویژگی‌های کمیته حسابرسی می‌باشد بنابراین، ترکیب درست، منابع، مهارت و تخصص اعضای کمیته حسابرسی توانایی کمیته حسابرسی در شناسایی و جلوگیری از مدیریت سود (ارقام تعهدی) را افزایش می‌دهد. نتایج آزمون فرضیه با نتایج پژوهش‌های دیویدسون و



همکاران (۲۰۰۵)، پیوت و جانین (۲۰۰۷) و کوهن و زاروین (۲۰۰۸) مبنی بر ارتباط معکوس بین کمیته حسابرسی و اقلام تعهدی مشابهت دارد؛ اما با نتایج مطالعه جراللز آلوز (۲۰۱۱) و ولتی و استیگل بویر (۲۰۱۱) در پرتغال و آلمان مبنی بر ارتباط مستقیم بین کمیته حسابرسی و مدیریت سود مطابقت ندارد.

در فرضیه دوم این موضوع مطرح گردید که آیا بین بینش کمیته حسابرسی و لحن بدبینانه گزارشگری مالی شرکت ها رابطه متقابل و معناداری وجود دارد؟ بر اساس یافته های پژوهش ارتباط متقابل و معناداری بین بینش کمیته حسابرسی و اقلام تعهدی شرکت ها یافت نشد. نتایج پژوهش با نتایج تحقیق باسیونی و همکاران (۲۰۲۰) مبنی بر ارتباط معکوس و معنادار بین کمیته حسابرسی و لحن بدبینانه گزارشگری مالی مطابقت ندارد.

در نهایت فرضیه سوم این موضوع مطرح گردید که آیا بین بینش کمیته حسابرسی، اقلام تعهدی و لحن بدبینانه گزارشگری مالی رابطه متقابل و معناداری وجود دارد؟ مدل های معادلات همزمان که در پژوهش حاضر مورداستفاده قرار گرفت نشان دهنده اثرات تعاملی بین بینش کمیته حسابرسی، اقلام تعهدی و لحن بدبینانه گزارشگری مالی است. از سویی دیگر، نتایج حاکی از آن است که (۱) لحن بدبینانه گزارشگری مالی و اقلام تعهدی تاثیر مثبت و معناداری بر بینش کمیته حسابرسی دارند؛ (۲) بینش کمیته حسابرسی و لحن بدبینانه گزارشگری مالی تاثیر معکوس و معناداری بر اقلام تعهدی دارند؛ (۳) بینش کمیته حسابرسی و اقلام تعهدی به ترتیب تاثیر مثبت و منفی معناداری بر لحن بدبینانه گزارشگری مالی شرکت ها دارند. نتایج فرضیه با نتایج تحقیقات یاتریدیس (۲۰۱۶) و صفری گرایلی و همکاران (۱۳۹۶) مبنی بر ارتباط معکوس اقلام تعهدی بر لحن بدبینانه گزارش های مالی همسو و مطابقت دارد.

۷-۱. پیشنهادهای مبتنی بر نتایج پژوهش

با توجه به نتایج پژوهش به نظر می رسد که باید از طریق اقداماتی از قبیل افزایش استقلال کمیته حسابرسی، وجود افرادی با تخصص مالی و حسابداری و حسابرسی در کمیته حسابرسی و افزایش بهبود بینش کمیته حسابرسی به منظور اطمینان از ارائه صادقانه فرایند گزارشگری مالی و گسترش پژوهش های انجام شده در زمینه ویژگی های کمیته حسابرسی و اثربخشی آن، تأکید بیشتری در زمینه بهبود آثار ویژگیهای کمیته حسابرسی و اثربخشی آن بر فرایند گزارشگری مالی انجام گیرد. همچنین به دولت و سازمان بورس اوراق بهادرا پیشنهاد می شود که الزامات، مقررات و استانداردهای الزم را برای جلوگیری از اقدامات فرصت طلبانه مدیریت و دستکاری سود تدوین نمایند.

به سرمایه‌گذاران و تحلیلگران مالی پیشنهاد می‌گردد که هنگام ارزیابی شرکت‌ها، به ویژگی‌های کمیته حسابرسی هر یک از شرکت‌ها توجه نموده و به عنوان عاملی تأثیرگذار بر لحن گزارش‌های مالی مدیریت در نظر بگیرند تا بتوانند پرتفوی مناسبی را برای سرمایه‌گذاری انتخاب نمایند.

۷-۲. پیشنهادهای موضوعی برای انجام تحقیقات آتی

با انجام هر پژوهش، راه به سوی مسیر جدید باز می‌شود و ادامه راه مستلزم انجام پژوهش‌های دیگری است؛ بنابراین به‌منظور انجام پژوهش‌های آتی در ارتباط با این پژوهش موضوعات زیر پیشنهاد می‌شود: تأثیر سایر ویژگی‌های کمیته حسابرسی مانند تنوع جنسیتی اعضای کمیته حسابرسی بر لحن گزارشگری مالی بررسی شود.

تأثیر سایر شاخص‌های عملکرد کیفیت کمیته حسابرسی نظیر (جلسات کمیته حسابرسی، منابع کمیته حسابرسی، ارتباط با هیئت مدیره، منشور کمیته حسابرسی و نظارت بر گزارشگری مالی) بر اقلام تعهدی مورد بررسی قرار گیرد.

در صنایع قانونمند نظیر بانک‌ها، بیمه و لیزینگ‌ها با توجه به متفاوت بودن ابزارهای مالی می‌توان اثرگذاری ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر لحن گزارشگری مالی و اقلام تعهدی این گونه صنایع را بطور خاص مورد نقد و بررسی گیرد.

با توجه به نقش مهمی که رئیس کمیته حسابرس به عنوان عالی‌ترین رتبه در این کمیته ایفا می‌نماید، توصیه می‌گردد ویژگی‌های رئیس کمیته حسابرسی بر لحن گزارشگری مالی و اقلام تعهدی مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

اکبرلو، الناز؛ زینالی، مهدی؛ علی‌نژاد ساروکلائی، مهدی و برادران حسن زاده، رسول، (۱۴۰۰)، بررسی رابطه بین خودشیفتگی مدیران و لحن خوشبینانه گزارشگری مالی: نقش تعدیلی مدیریت سود، مطالعات تجربی حسابداری مالی، صص ۱۶۹-۱۷۲.

اکبرلو، الناز؛ زینالی، مهدی؛ علی‌نژاد ساروکلائی، مهدی و برادران حسن زاده، رسول، (۱۴۰۱)، تأثیر سوبه‌های رفتاری مدیران بر لحن خوشبینانه گزارشگری مالی، مجله توسعه و سرمایه، شماره ۱۴، صص ۱۱۳-۱۳۰.

برزگر، معصومه، (۱۴۰۰)، بررسی تاثیر قابلیت مقایسه حسابداری بر کیفیت گزارشگری مالی و ارقام تعهدی اختیاری، نشریه چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۴، شماره ۴۴، صص ۳۴-۴۷.

بنی مهد، بهمن و جعفری معافی، رضا، (۱۳۹۲)، کیفیت ارقام تعهدی و انتخاب حسابرس، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۱، شماره ۳۷، صص ۸۱-۹۸.

جامعی، رضا و رستمیان، آزاده، (۱۳۹۵)، تاثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر ویژگی های سود پیش بینی شده، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۸، شماره ۲۹، صص ۱-۱۷.

حقدادی، محمدرضا و گرکز، منصور، (۱۳۹۹)، بینش کمیته حسابرسی و تغییر حسابرس در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، دوره ۲۰، شماره ۷۸، صص ۲۰۰-۲۲۲.

رهنمای رودپشتی، فریدون و محسنی، عبدالرضا، (۱۳۹۷)، مدیریت، مدیریت نوشتار و مدیریت سود، پژوهش های تجربی حسابداری، دوره ۸، شماره ۴، صص ۲۱-۵۲.

سلیمانی، غلامرضا و مقدسی، مینا، (۱۳۹۳)، نقش کنترل های داخلی، حسابرس داخلی و کمیته حسابرسی در بهبود نظام راهبری (حاکمیت) شرکتی، پژوهش حسابداری، شماره ۱۲.

طرخورانی، علی؛ محمدی، سید موسی و عسکری، میثم، (۱۳۹۹)، بررسی تاثیر کیفیت گزارشگری مالی بر قیمت گذاری ارقام تعهدی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، شماره ۳۸ (جلد هشتم).

عباسی، ابراهیم؛ وکیلی فرد، حمیدرضا و معروف، مرتضی، (۱۳۹۷)، بررسی تاثیر بیش اطمینانی مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی و محافظه کاری شرطی در بورس تهران، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۱۹۳-۲۰۶.

علی احمدی، سعید و فدایی، زهرا، (۱۳۹۴)، ارزیابی نقش محیط اطلاعاتی و رشد شرکت در قیمت گذاری ارقام تعهدی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش های حسابداری مالی، سال هفتم، شماره سوم، صص ۹۱-۱۰۴.

کریمی، کیانا و رهنمای رودپشتی، فریدون، (۱۳۹۴)، تورش های رفتاری و انگیزه های مدیریت سود، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، شماره ۱۴، صص ۱۵-۳۱.

محسنی، عبدالرضا و رهنمای رودپشتی، فریدون، (۱۳۹۸)، عملکرد مالی و کارکردهای مدیریت لحن نوشتار در گزارشگری مالی، پژوهش های تجربی حسابداری، دوره ۹، شماره ۴، صص ۲۹-۴۸.

نیکبخت، محمدرضا؛ ویسی حصار، ثریا؛ پورکریم، محمد، (۱۴۰۲)، رابطه خوانایی گزارشگری مالی با هزینه سرمایه شرکت: نقش تعدیلگر لحن گزارشگری مالی، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، سال هشتم، شماره شانزدهم، صص ۱۸۵-۲۰۸.

Alves, S., (2013). The impact of audit committee existence and external audit on Evidence from Portugal. *J. Financ. Rep. Acc.* 11 (2), 143–165. earnings management

Ayuningtyas, E., & Harymawan, I. (2021). Negative tone and readability in management discussion and analysis reports: Impact on the cost of debt. *Jurnal Manajemen Teori dan Terapan*, 14(2), 129-146.

Bassyouny, H.; Abdelfattah, T.; & Tao, L. (2020). Beyond narrative disclosure tone: The upper echelons theory perspective. *International Review of Financial Analysis*, 70, 101499.

Beasley, M.S., Carcello, J., Hermanson V, D.R., & Neal, T.L., (2009). The audit committee oversight process. *Contemp. Acc. Res.* 26 (1), 65–122.

Blanco, B., García Lara, J.M., & Tribó, J., (2014). The relation between segment disclosure and earnings quality. *J. Acc. Public Policy* 33 (5), 449–469.

Chen, A., & Gong, J. J., (2019), Accounting comparability, financial reporting quality, and the pricing of accruals, 55, 1-16.

Chen, C., D. Hanlon, M. Khedmati, and J. Wake. (2023). Annual report readability and equity mispricing. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 19(3): 100-368.

Cho, K., Kwon, K., Yi, H., & Yun, Y., (2015). The effect of international financial reporting standards adoption on the relation between earnings quality and information asymmetry in korea. *Emerg. Markets Finance Trade* 51 (3), 95–117.

Choi, Y.K., Han, S.H., & Lee, S., (2014). Audit committees, corporate governance, and shareholder wealth: evidence from Korea. *J. Acc. Public Policy* 33 (5), 470–489.

Cohen, D. & Zarowin, P. (2010). Accrual-based and real earnings management activities around seasoned equity offering. *Journal of Accounting and Economics*, 50, 2-19.

Davidson, R., J. Goodwin-Stewart & P. Kent., (2005), “Internal governance structures and earnings management”, *Accounting and Finance* 45, 241–267.

Davis, A. & I. Tama-Sweet (2012). Managers' Use of Language across Alternative Disclosure Outlets: Earnings Press Releases versus MD&A. *Contemporary Accounting Research*, 29, (3), 804-837.

- Davis, A., J. Piger & L. Sedor (2012), Beyond the Numbers: Measuring the Information Content of Earnings Press Release Language. *Contemporary Accounting Research*, 29, (3), 845-868.
- Dechow, P. & Dichew, I. (2002). The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors. *The Accounting Review*, 77, 35-59.
- Dezort, F.T., Hermanson, D.R., Archambeault, D.S., & Reed, S. a., (2002). Audit committee effectiveness: a synthesis of the empirical audit committee literature. *J. Acc. Lit.* 21, 38-75.
- Feldman, R., S. Govindaraj, J. Livnat & B. Segal. (2010). Managements Tone Change, Post Earnings Announcement Drift and Accruals. *Review of Accounting Studies*, 15, (4), 915-953.
- Francis, J., Olsson, P. & Schipper, K. (2006). Earnings Quality, Foundation and Trends in Accounting 4(1), 340-259.
- Forker, J. J, (1992), Corporate Governance and Disclosure Quality, *Accounting and Business Research*, 22(86), 111-124.
- Gendron, Y., & Bédard, J., (2006). On the constitution of audit committee effectiveness. *Acc. Org. Soc.* 31 (3), 211-239.
- Geraldes Alves, S., (2011), The effect of the board structure on earnings management: evidence from Portugal. *Journal of Financial Reporting & Accounting*, 9, 141-160.
- Groff, M.Z., & Valentinčič, A., (2011). Determinants of voluntary audit committee formation in a two-tier board system of a post-transitional economy – the case of Slovenia. *Acc. Europe* 8 (2), 235-256.
- Heaton, J. (2002). Managerial Optimism and Corporate Finance. *Financial Management*, 31(2), 33- 45.
- Huang, X., Teoh, S., & Zhang, Y. (2014). Tone Management. *The Accounting Review*: 89(3), 1083-1113.
- Iatridis, G. E. (2016). Financial Reporting Language in Financial Statements: Does Pessimism Restrict the Potential for Managerial Opportunism?. *International Review of Financial Analysis*. 45, 1-17.
- Management Y. S. Kim. (2008). Is Earnings Jiraporn, P., Miller, G. A., Yoon, S. S., & International Review of An Agency Theory Perspective. *Opportunistic or Beneficial?* 17, 622-634. *Financial Analysis*,

- Kusnadi, Yuanto, Leong, Kwong Sin, Suwardy, Themis, Wang, Jiwei, (2016). Audit committees and financial reporting quality in Singapore. *J. Bus. Ethics* 139,(1), 197–214.
- Mayew, WJ, & Venkatachalam, M. (2012). The power of voice: Managerial affective states and future firm performance. *The Journal of Finance*, 67(1), 1-43.
- Merrienboer, G. (2016). The impact of CEO overconfidence on managerial financial reporting. Erasmus Universiteit Rotterdam.
- Nacashima, M. & D, Zibart. (2016). Ton at the Top and shifts in Earnings Management. *Journal of Forensic & Investigative Accounting*. 8, (2), 1-37.
- Managers Credibly Use Accruals to Signal Louis, H., & D. Robinson. (2005). Do Pricing of Discretionary Accruals Around Private Information? Evidence from the Economic, 39, 361- 380. Stock Splits. *Journal of Accounting and*
- Piot, C., & Janin, R. (2007), External Auditors, Audit Committees and Earnings Management in France. *European Accounting Review*, 16, (2), 429–454.
- Accruals. Growth and the Pricing of Discretionary Robin, A., & Q. Wu. (2015). Firm and Accounting, 45, (3), 1-30. *Review of Quantitative Finance*
- of Earnings Management and the Effect of Siregar, S. V., & S. Utama. (2008). Type from Corporate-Governance Practices: Evidence Ownership Structure, Firm Size, and of Accounting, 43, (1), 1-27. Indonesia. *The International Journal*
- Stewart, J & Munro, L., (2007). The impact of audit committee existence and audit committee meeting frequency on the external audit: perceptions of australian auditors. *Int. J. Auditing* 11 (1), 51–69.
- Su, D. T., Canh, N. P., Thai Ha, N. H. (2019). Debt structure and earnings management: A non-linear analysis from an emerging economy, <https://doi.org/10.1016/j.frl.2019.08.031>
- Discretionary Accruals. *Journal of Subramanyam, KR. (1996). The Pricing of Accounting and Economic*, 22, 249- 281.
- Sun, Jerry., Lan, George & Liu, Guoping (2014), Independent audit committee characteristics and real earnings management, www.emeraldinsight.com.
- Velte, P., & Stiglbauer, M., (2011), Impact of audit committees with independent financial experts on accounting quality: An empirical analysis of the German capital market. *Problems and Perspectives in Management*, 9, 17– 33.